

# راه توده

نشریه مبادیان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۲۷ آبان ۱۳۶۶ مطابق ۱۱ محرم  
۰۱۴۰۲ دوره اول، سال اول، شماره ۱۴  
پهنا: ۶۰ میل

## از اهداف ضد امپریالیستی و خلقی خط امام پشتیبانی کنیم

"از جمله جمعیت هائی که این روزها دوباره شروع به نق زدن کرده است، نهضت آزادی است. ۰۰۰ آنها گفته اند که حدود ۴ سال از انقلاب گذشته، شما برای مردم چه کرده اید؟ ما پاسخ می دهیم که این ملت محروم و مسئولین تلاش می کنند و رنج می برند تا ویران گری های چند ماهه و چند ساله شما را از بین ببرند. ۰۰۰"

مطلب فوق قسمت هائی از اذعانامه بحق حجت الاسلام مهدی کروی، سرپرست بنیاد شهید، علیه نهضت آزادی است، که در نماز جمعه ۱۶ مهرماه ۱۳۶۱ در تهران بیان شده است.  
حجت الاسلام کروی در ادامه سخنانش نمونه هائی از این "ویران گری" ها را بر میسرمد و از جمله از بنی صدر خائن نقل می کند، که با وجود اطلاع داشتن از خبر حمله وسیع و قریب الوقوع (که توسط حزب ما به او اطلاع داده شده بود) به ایران، "نیروهای عراقی بدون اینکه حتی یک مین سر راهشان باشد، وارد خاک ایران شدند. ۰۰۰"  
از جمله این اذعانامه می آموزد، که شرکت دادن خط راستگرایی بورژوازی لیبرال در حاکمیت خلق چه صدمات سنگینی را بر انقلاب وارد ساخته است و رهنمود تاریخی امام خمینی، رهبر انقلاب در اخراج این نیروها از حاکمیت در خدمت منافع انقلاب بوده است.

۰۰۰ مسلم است که سرمایه داری لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، می کوشد جنبش را در چهار چوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربه همه انقلابات نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواسته های طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه داری بقیه در صفحه ۲

حزب ما در اسناد شانزدهمین پنلوم کمیته مرکزی خود در اسفند ۱۳۵۷ نقش بورژوازی لیبرال ایران را، که "نهضت آزادی" یکی از سازمانهای آن بود، بعنوان نیروی ترمز کننده رشد آتی انقلاب ارزیابی کرده است و نقش د و رو سازشکار و راستگرایی آن ها را پیش از هر نیروی دیگر اجتماعی - سیاسی بموقع نشان داده و افشاء کرده است.  
در این اسناد از جمله می خوانیم:

### آقای وزیرکار!

#### از ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی دفاع نکنید

در ملاقاتی که اعضای شورای مرکزی انجمن های اسلامی واحد های تولیدی و صنعتی تهران و حومه با آقای توکلی، وزیر کار و امور اجتماعی در ۱۹ مهرماه در تهران داشتند، نمایندگان انجمن های اسلامی "مسائل و مشکلات خود را، از جمله مسئله اخراج کارگران حزب اللهی و عضو انجمن ها، قانون کار اسلامی و نظر خواهی از کارگران و حدود وظایف انجمن های اسلامی را با وزیر کار و امور اجتماعی در میان گذاشتند." (اطلاعات ۲۰ مهر ۶۱)

همانطور که "راه توده" شماره ۹ نیز به نقل از روزنامه ج - اسلامی (۲۱ شهریور) توضیح داده شد، برای اخراج کارگران، مدبران طاغوتی دیگر به "جرم" هواداری از حزب توده ایران و یا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بسنده نکرده، بلکه کارگران حضور انجمن های اسلامی را نیز از کار اخراج می کنند.  
"جرم قانونی" برای این اخراج ها ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی است.

بهمین علت نیز "اعضای شورای مرکزی انجمن های اسلامی واحد های تولیدی تهران و حومه" به ملاقات آقای وزیر میروند و "مسائل و مشکلات خود را، از جمله مسئله اخراج کارگران حزب اللهی و عضو انجمن ۰۰۰" را مطرح می کنند. و می طلبند، که قانون کاری تنظیم شود که "شمشیر دامکس" ماده ۳۳ را از بالای سر آنها دور کند.

آقای وزیر، همانطور که تاکنون عمل کرده است، بجای پشتیبانی از خواست بحق کارگران و اعلام لغو این ماده ضد کارگری، می گوید: "۰۰۰ با استقرار دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور کار جلوی اخراج هائی که میتوانست آثار سیاسی در واحد ها داشته باشد، گرفته شده بقیه در صفحه ۱۱

## نظری به سیر انقلاب کشور ما

صفحه ۶

## رویدادهای ایران در ماه گذشته: روشنی برای مردم و خط امام روز به روز بیشتر می شود

### آمریکای جنایتکار شیطان بزرگ انقلابهاست

کارداران جمهوری اسلامی داشت متذکر شد: "شایسته است که با امت اسلامی دشمن اصلی یعنی حامیان اسرائیل شیطان بزرگ امریکا را معرفی کنیم."  
رئیس جمهور همچنین در جای دیگر تاکید کرد: "در مبارزه با استکبار امریکایی و صهیونیسم بین الملل يك لحظه از پای نخواهیم نشست."

تخت وزیر نیز طی يك صاحبه مطبوعاتی تاکید کرد: "نیاید از توطئه های بعدی امریکای غفلت داشته باشیم. ما باید منتظر تحریکات امریکا در کشورهای منطقه باشیم. وی از لزوم آمادگی کامل نظامی و "هوشیاری در برابر توطئه های امریکا" سخن گفت و متذکر شد: "باید از نظر سیاست خارجی و روابط با کشورهای منطقه خودمان را آسیب ناپذیر کنیم تا اینکه توطئه های بقیه در صفحه ۸

در ماه گذشته نیز امریکا به مثابه شیطان بزرگ و خطر جدی و فوری ناشی از توطئه های جنایتکارانه اش در سخنان و موضعگیریهای امام خمینی و پیروان خط امام انعکاس یافت. در روز اول مهر، روز "مرگ بر امریکا"، "مرکز پر اسرائیل" در تهران برگزار و پرچم امریکا به آتش کشیده شد.

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در پیامی که بمناسبت قتل عام مبارزین فلسطینی و لبنانی بدست اسرائیل و حامیان امریکائیش "آمریکای جنایتکار، شیطان بزرگ" را سبب معرفی کردند، رهبر انقلاب از "نیم قرن"، سلطه امریکا بر "مسلمانان جهان بخصوص منطقه" یاد کردند و "نقشه ها و توطئه های امریکا و وابستگان او" را تشریح کردند.  
حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور نیز با تکیه بر چنین مضمونی در دیداری که با سفیر و

## برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# اهداف ضد امپریالیستی و خلقی خط امام پشیمان کنیم

بقیه از صفحه ۱

جیرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با باقی مانده های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان به کار اندازد . باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی سپه ماهم ، همین پدیده رشد کند . حتی پیش از پیروزی انقلاب ، سرسوداهایی از عدم رضایت این بخش از محتوای مترقی نظریات آیت الله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به گوش می رسید و این عدم رضایت روز به روز شدت پیدا می کند .

این جناح می گوشتد انقلاب را در چارچوب رفراوند برای اعلام جمهوری ، انتخاب مجلس شورا و تأمین برخی آزادی های دمکراتیک نگه دارد و در زمینه اقتصادی همان راه فلاکت با سرمایه داری را ادامه دهد .

این بود ارزیابی حزب توده ایران از این نیروهای بورژوازی لیبرال در روزهای پس از ۲۲ بهمن . از این رو است که ما خوشحالمیم ، که اکنون نیروهای صادق پیرو خط امام با شناخت روشن و کافی از لیبرالها از افتادن به دام آنها مصون گشته اند .

اما آیا می توان از این صحبت کرد ، که خط جدیدی که انقلاب را از درون تهدید می کند نیز با همین روشنی دیده شده است ؟

با نگاهی به سخنان برخی از نمایندگان برجسته خط امام می توانیم به این پرسش پاسخ مثبت بدهیم !

مطالبی که در مورد "جریان راستگرای مخالف خط امام" از زبان نمایندگان برجسته خط امام گفته شده است ، از جمله صاحبیه های حجت الاسلام خوئیینها قبل از سفر حج ، بیان کننده این واقعیت است و نشان می دهد ، که مسلمانان پیرو خط امام به درستی به حساسیت نبرد طبقاتی ای که توسط این "جریان راستگرای مخالف خط امام" علیه اهداف ضد امپریالیستی و خلقی امام اعمال می شود و هدفش جلوگیری از تحقق "عدالت اجتماعی" در جمهوری اسلامی ایران به نفع زحمتکشان و محرومین و همچنین مغشوش کردن سیاسی دوستان خارجی و داخلی انقلاب ایران است ، پی برده اند .

حزب توده ایران و ما هواداران آن در خارج از کشور با تمام قوا و امکانات خود از این نبرد علیه "جریان راستگرای مخالف خط امام" پشتیبانی می کنیم و به وظیفه انقلابی خود ، طیرغم مشکلات و برخورد های غیر منصفانه عمل کرده و خواهیم کرد .

بدون شك برخورد بدون پیشداوری مسلمانان مبارز خط امام به نظرات حزب ما ، وسیله قابل اعتمادی برای آنها در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب و راهبای تحقق خواستههای خلقی و ضد امپریالیستی خط امام است .

در همین روند نیز باید هشدار حزب ما در مورد مسائل جاری کشور ، از جمله مسئله نامین عدالت اجتماعی ، مسئله صلح شرافتمندانه و به گفته امام خمینی "انسانی و اسلامی" ، درك شود .

تجربه چند سال نشان می دهد ، که نیروهای راستگرا از يك سو چوب لای چرخ انقلاب می گذارند و دست به "بران گری" می زنند و از سوی دیگر مشکلات ناشی از کار خود را به گردن انقلاب می اندازند .

درست این خط ، که اکنون دیگر بطور کامل زیر لباس "شرعی" و "اسلامی" عمل می کند ، تلاش می ورزد که جلوی اجرای اصلاحات بنیادی را ، از جمله اصلاحات ارضی و براندازی بزرگ زمینداری و بقایای فئودالی ، ملی کردن بازرگانی خارجی ، توزیع تعاونی و دولتی و آزادی های قانونی ، . . . و عبارت دیگر جلوی اجرای قانون اساسی ، بسا ابرادگیری های "شرعی" خود به گیرد و می خواهد "اسلام" خود را ، که اسلام و عاظ السلاطین ملک ها و توکلی ها است ، به انقلاب تحمیل کند . ابزار این اعمال قدرت آنها ، حضور عناصری از آنها در دولت ، مجلس و دیگر ارگانهای انقلابی است .

"انجمن" های گسترده ای که در گذشته برپاگردند و قبل از انقلاب "سیاست زدائی" را هدف خود قرار داده بودند ، اکنون هم از "سیاست کاری و سیاست بازی" متفرند و علیه آن عمل می کنند !

آنطور که گفته می شود ، در درون این "انجمن" ها سه نظر وجود دارد .

اکثیتی در این "انجمن" معتقدند که باید به نمایندگان خط امام نزدیک شد و از آنها حمایت کرد .

اکثیت دیگری می گوید ، که نمایندگان خط امام کمونیست هستند و باید علیه آنها حتی به مبارزه مسلحانه دست زد .

نظر اکثریت غالب آن است که باید "به همین سیاست (خرابکارانه) فعلی ادامه داده شود" .

این سیاست چیست ؟ از جمله :

- سیاست شهرز کردن انقلاب از طریق کشاندن لوابیح انقلابی به کمیسیونها و سو کمیسیونهای مجلس با بحث های بی سرانجام چند ماهه ،
- سیاست تپی کردن قانون اساسی از محتوای واقعی آن و منحرف کردن انقلاب از طریق عوض کردن جای اصول و فروع قانون اساسی . مثلا بحث درباره "نحوه فعالیت بخش خصوصی" قبل از تعیین وضع و جا افتادن بخش دولتی و تعاونی ، در حالیکه قانون اساسی تصریح کرده است که بخش عده اقتصاد کشور ، بخش دولتی و تعاونی است و بخش خصوصی نقش کمکی و فرعی و جنبی دارد .

- تحمیل راهبای غیراصولی مبارزه با احتکار و محکرمین و "تروریست های اقتصادی" ، از جمله آزاد گذاشتن ریشه های احتکار و تبلیغ علیه توزیع دولتی و شکستن کاسه و کوزه ها بر سر شاخه های احتکار ، یعنی دستفروشان کنسار خیابان ، که در حقیقت مستضعفین بیکارند .

- سیاست جلوگیری از ایجاد امنیت قانونی در کشور ، از طریق خودسری ها و تحمیل خواستههای خودشان "بر اساس سلیقه شخصی و طرز فکر های فردی یا گروهی خود" (روزنامه ج "اسلامی

۲۱ شهریور) ، چه در وزارتخانه ها و چه در مسائل قضائی .

- سیاست مغشوش کردن تفاوت دوستان و دشمنان و دشمنان انقلاب ، از طریق دامن زدن به "جو سو" ظن و عدم اعتماد "علیه دوستان خارجی انقلاب ، چه در بین جنبش های رهایی بخش و ضد امپریالیست و چه در بین کشورهای سوسیالیستی و چه در بین ایران و همسایگانش ، بویژه بین ایران و اتحاد شوروی ، که خواست مشخص برژنیسکی ، مشاور امنیتی کارتر ، است .

در این تردید نیست ، که بخشی از این "برخورد ها" ، همان طور که در مقاله روزنامه ج "اسلامی" ۲۱ شهریور ، تحت همین عنوان هم آمده است ، "این طور نیست که قصد خیانتی داشته باشند" ، ولی نیروهای با حسن نیت "بدون ذره ای تردید فربه های بزرگ و لطمه های سنگینی به ارگان یا نهادی که در آن کار می کنند و یا به کل نظام وارد می آورند . . . " این نکته درستی که روزنامه ج "اسلامی" تذکر می دهد ، متأسفانه تنها خطر این خط غالب در این "انجمن" ها ، نیست ! خطر عده تر آن است که این شیوه و "برخورد ها" ، تا آنجا که توسط "نیروهای با حسن نیت" اجرا می شود ، پرده استتاری شده است ، که مناسرا آگاه دشمن و کشمیری ها و کلاهی ها و قطب زاده ها و بنی صدر های شناخته نشده ، خود را پشت آن مخفی کنند و به "بران گری" های خود با خیال راحت ادامه دهند و بتوانند در تلاش برای ادامه دادن "سیاست (خرابکارانه) فعلی" موفق باشند .

شایان توجه است ، که این "ادامه دادن سیاست (خرابکارانه) ، فعلا اعمال" می شود ، برنامه امپریالیسم جهانی نیز هست !

در این مورد مطالبی که خبرنگار برنامه دوم تلویزیون آلمان غربی ، پتر شولاتور ، در ۱۰ اکتبر ۸۲ از این تلویزیون پخش کرد ، افشاء کننده است آقای پتر شولاتور در برنامه نزدیک به يك ساعته خود ، که در مورد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود ، در نظریه را مطرح ساخت ، که در انطباق کامل با نظر و عمل "انجمن" ها و "جریان راستگرای مخالف خط امام" است !

برای روشن شدن مطلب این دو نکته را توضیح میدهم :

نکته اول مربوط به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است . به نظر پتر شولاتور ، شکست عراق در جنگ مساوی است با مرگ این رژیم و اضافه می کند ، که اگر صدام حسین سقوط کند و حزب بعث او متلاطم گردد ، دیگر جلوی گسترش انقلاب ایران را نمی توان گرفت و انقلاب به کشورهای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان ، که در آنها امپران و حکام و خانواده های سلطنتی با نفرت و اکراه عمومی روبرو هستند ، نیز سرایت خواهد کرد ، و نتیجه می گیرد ، که این خطر سبب شده کبه ایالات متحده امریکا با تمام امکانات خود از سقوط دولت صدام ، "که تا چندی پیش هم پیمان مسکو بود ، جلوگیری" کند .

وی در مورد ایران معتقد است ، که عدم پیروزی بود ، جلوگیری" کند .

# انقلاب پرتغال زنده است

تضاد میان حاکمیت سیاسی و ساختار اجتماعی در پرتغال از ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ باینسوی هه هچگاه تا بدین حد حاد نبوده است.

زیر بنای اجتماعی به چپ جابجا شده در حالیکه نیروهای اقلیت که اهرمهای عمده و قدرت سیاسی را در دست دارند چهار نعل بسوی راست افراطی می‌تازند.

باصطلاح اتحاد دمکراتیک مرکب از حزب سوسیال دمکرات، مرکز سوسیال دمکرات و حزب کوچک سلطنت طلب ملی طی ماههای گذشته هوبرانگری خود را همچنان ادامه داد. کسری موازنه پرداخت امسال به ۲ میلیارد دلار خواهد رسید.

میزان تورم بالاتر از تمام کشورهای اروپائی است. و موافق پیش بینی ها از ۲۵ درصد هم تجاوز خواهد کرد. دیون خارجی کشور بیش از ۱۱

میلیارد دلار است که اگر به نسبت جمعیت در نظر گرفته شود هپرتغال پس از اسرائیل و شیلی جای سوم را در سراسر جهان احراز میکند.

شرایط زندگی اهالی روز بروز بدتر میشود. تولیدات صنعتی و کشاورزی در حالت توقف و یا پس رفتن است. قیمت ها با آهنگ سریع رشد میکنند. آزادبهره ملی پیوسته با محدودیت ها و اعمال خلاف قانون بیشتر مواجه میشود. تضییقات و تحریکات آشکارا مخالف

تضمینهایی که در قانون اساسی وجود دارد روز به روز بیشتر میشود. سیاست خارجی کشور در خدمت منافع امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا طرح ریزی و هدایت میشود.

هجوم برای نابودی اصلاحات ارضی پس از انقلاب آوریل همچنان ادامه دارد. دولت‌های دادگاه عالی اداری مبنی بر بازگرداندن زمینها و اموالی که به طور غیر قانونی و بزور از تعاونیهای دهقانی گرفته شده است را نادیده میگیرد. نیکبار هوزیسر کشور ونیروهای مسلح را برای پشتیبانی از باند هک که ملاکان سابق علیه اصلاحات ارضی مسلح و روان می‌کنند مورد استفاده قرار داده است.

برخی از این زمینداران هاز نو تسلط خود را برقرار کرده و هزاران هکتار زمین را بتصرف خود درآورده اند. بارها اتفاق افتاده است که ملاکان و باند ها سایشان پیروزی خویش بر تعاونیها را با ادرار کردن بر زیتون و دیگر محصولات دهقانان جشن گرفتند. روزنامه دیاریو هعملت پرد برداشتن از این اعمال اوباشانه بارها توسط دولت کونی به دادگاه محضار شده است.

نیروهای راست با کمک حزب سوسیالیست موفق شدند قانون تجدید نظر در قانون اساسی را از مجمع جمهوری (مجلس پرتغال) بگذرانند که تغییرات عمده‌ای در قدرت سیاسی وارد میکند. این تجدید نظر هاختیارات ریاست جمهوری را بقدر قابل ملاحظه‌ای محدود کرد. و صلاحیت تعیین فرماندهان ارتش را به دولت واگذر نمود. این بعنوان هدارک آشکاری برای کودتا علیه رژیم دمکراتیک ارزیابی شده است. رئیس جمهور میتواند با استفا از اختیاراتی که قانون اساسی برای او در نظر گرفته

است این تجدید نظر را رد کند. اما او فعلا از این حق خود استفاده نکرد. در عین حال اتحاد دمکراتیک دارد تدارک میبندد که باز به کمک حزب سوسیالیست قوانینی را برای دفاع ملی ونیروهای مسلح از مجمع جمهوری بگذراند که تحقق نقشه‌های کودتا را تسهیل خواهد کرد. شورای عالی قضائی که زیر کنترل اتحاد دمکراتیک است جانشین شورای انقلاب حذف شده و برای کنترل مطابقت قوانین با قانون اساسی کشور گردیده است.

حزب سوسیالیست پرتغال نقش عمده را در جهت بدتر شدن وضع عمومی ایفا کرد. بطوریکه روزنامه اشپرتو متعلق به ماریو سوارش دبیر کل حزب سوسیالیست پرتغال و ارگان بورژوازی بزرگ اعتراف

ولی هزاران تن از زحمتکشان عضو حزب سوسیالیست همراه با رفقای کمونیست خود در مبارزات بزرگ جنبش خلقی در سال جاری شرکت کردند.

بی اعتبار شدن حزب سوسیالیست و همچنین جدا شدن صد ها هزار انتخاب کننده از اقشار متوسط که فریب سخنان عوام فریبانه ساکارنیزو نخستوزیر مرد و پیشین را خورد. بودند از اتحاد دمکراتیک باعث پیدایش یک خلا شده است که تجزیه و تحلیل سیاسی و اجتماعی آن بسیار دشوار است. بخشی قابل ملاحظه‌ای از انتخاب کنندگان هنوز گرایش خود را بسوی هیچیک از احزاب موجود معین نکردند. اتحاد دمکراتیک و حزب سوسیالیست دیگر پاسخگوی تمایلات قسمت بزرگی از انتخاب کنندگان پرتغالی از قشرهای متوسط و خرد و بورژوازی دهقانان و حتی زحمتکشان نیستند. زحمتکشان که نمیتوان آنانرا با کمونیستها یکسان گرفت و چه بسا موضع گیریشان تفاوت جدی با موضع گیری‌های حزب کمونیست دارد. اما خود را مدافع آزادیها و نهاد های دمکراتیک



آنجا که کونیال دبیر اول حزب کمونیست پرتغال حضور میابد، با استقبال پرشور و همبستگی برادرانه زحمتکشان روبرو میشود.

کرد و حزب سوسیالیست ماریو سوارش ههمانند یک "متحد بزرگ" اتحاد دمکراتیک عمل میکند.

با وارد شدن در چنین توافقهایی با ارتجاع که امکان تحقق تجدید نظر در قانون اساسی را به آن داد. ماریو سوارش و گروه او علنا مقابل رژیم دمکراتیک قد علم کردند. در چشم زحمتکشان پرتغال این رهبر حزب سوسیالیست دیگر یک سیاستمدار دست راستی است.

خیانت رهبران حزب سوسیالیست ه تجدید نظر در مسئله اتحاد ها را موضوع عمده کرده است.

با وجود رهبری کونی و جهت گیری ماریو سوارش برای دفاع از دمکراسی که با خطر کودتای دست راستی مواجه گردیده است دیگر نمیتوان روی حزب سوسیالیست حساب کرد. لازم به تاکید است که اکثریت عظیم اعضای حزب سوسیالیست جهت گیری سوارش را تأیید نمیکنند. اما تضییقاتی که در دمکراتی درون حزبی آنها ایجاد شده هباعضای معمولی امکان نمیدهد که بطور موثر با تسلیم طلبی رهبری کونی مبارزه کنند و آنرا تغییر دهند.

اعلام میکنند. در این شرایط ه وضع عینی مطلوبی برای پایه گذاری احزاب تازه دمکراتیک در پرتغال پیدا شده است.

در سال جاری مبارزه طبقاتی در پرتغال بطور قابل ملاحظه‌ای پرداخته شده است. تصادفی نبود که در لیسبون بزرگترین راه پیمائی اول ماه مه در مقیاس باصطلاح جهان غرب برپا گردید. یک اعتصاب عمومی

در قوریه "بام دستمزدها" را که دولت اتحاد دمکراتیک میخواست تحمیل کند بطور قاطع منقجر نمود. اعتصاب عمومی دوم هدر آستانه اول ماه مه

در شهر پورتو که منجر به کشته شدن دو کارگر گرتش نقش خطاری جدی را ایفا کرد و نشان داد که دنیای زحمت راه افراطیون راست را سد خوا عنکرد

هر دو اعتصاب سیاسی بود و شعار اصلی آنها خواست استعفای دولت باصطلاح اتحاد دمکراتیک یکی از شگفتی‌های عانی که عمیقا روی انسان تاثیر میگذارد اینست که در این کشور اروپائی که دلنش تابع امپریالیسم است و نیروهای دست راستی اش بقیه در صفحه ۱۲

# آقای کیومرث صابری! اگر راست می‌گویید، قانون اساسی را اجرا کنید!

آقای کیومرث صابری، نویسنده سلسله "یادداشت‌های سفر شوروی" در روزنامه اطلاعات ۱۱ مهر ۶۱، در مقاله ای تحت عنوان "اگر راست می‌گویید از میگ ۰۰۰۲۵ دفاع کنید" به نامه ای به امضای "ب. کوهیار" پاسخ می‌دهد.

وی پس از اعلام دریافت نامه نویسنده ناشناس (!)، در ادامه سخنانش از آقای کوهیار انتقاد می‌کند، که چرا "زیر نقاب نام مستعار (اگر چنین باشد) مخفی شده است و نامه بدون "نشانی" ارسال کرده است. وی می‌نویسد:

"نامه های زیادی در موافقت و مخالفت با آن یادداشتها بدستم رسیده است. سوال برانگیز این نکته است که چرا همه مخالفان، در زیر نقاب نام مستعار پنهانند و نشانی ندارند؟"

راستی آقای صابری شما تا این حد از اوضاع کشور بی‌خبر هستید و

— نمی‌دانید که روزنامه "نامه مردم"، ارگانی حزب توده ایران نزدیک به دو سال است که بدون هیچ‌گونه دلیلی توقیف شده است؟

— آیا نمی‌دانید که دفتر مرکزی این حزب و دفاتر دیگر آن توسط "عناصر غیر مسئول" قانون شکنانه اشغال شده‌اند؟

— آیا نمی‌دانید، که ضد انقلاب که از "زن بسی دفاع" و "سبزی فروش" هم نمی‌گذرد، برای یافتن اسم و آدرس دگران‌دیشان موافق انقلاب له‌له می‌زند؟

— آیا واقعا از این بی‌خبر هستید، که کشمیری‌های مطبوعاتی و غیر مطبوعاتی، که لابلای عناصر صادق ارگانها و نهادها مخفی شده‌اند، در حسرت آن هستند، که "منتقدین" با اسم و آدرس‌نامه به نویسند؟

— آیا از جمع‌آوری آدرس‌توده‌های و فدائی‌های اکثریت برای "روز میاد"، آنطور که گفته می‌شود، بی‌خبرید؟

— آیا نمی‌دانید که عده ای از هواداران جمهوری اسلامی ایران، یعنی توده ای‌ها و اکثریتی‌ها، که نه تنها محارب اسلحه به دست نیستند، بلکه اسلحه به دست در جیبه‌های جنگ در برابر می‌عوامل امپریالیسم و مزدوران آن از جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند و جان می‌بازند و به این کار خود افتخار می‌کنند، فقط به علت این که دگران‌دیشان هستند، ماهیباست که در "فراموش‌خانه" "بنلا" — تکلیف گم شده‌اند؟

— آیا اطلاع ندارید، که جنازه این شهدا را در گورستانهای دور افتاده و در کنار ضد انقلاب بسه خاک میسپارند؟

بنظر میرسد، که از این جریانها بی‌اطلاع هستید، اینک برای اطلاعاتن قسمتهائی از نامه پدر شهید عبد‌الکریم حیاتی را به ریاست دادگاه انقلاب اسلامی ماهشهر، که اتفاقا امضا هم دارد، برایتان می‌آوریم.

"محترما به اطلاع می‌رساند که فرزند اینجانب حیاتی، در تاریخ ۶۱/۲/۲۴ در محور اهواز — خرمشهر به وسیله "ترکش‌خمپاره" مزدوران عراقی به درجه رفیق شهادت نایل گردید. در تاریخ ۶۱/۲/۲۷ جسد آن شهید را به هند بچنان

آورده و در نهایت بی‌احترامی به حق شهید و بی‌اعتنایی به اخلاق اسلامی، فردی را کسبه صادقانه در راه دفاع از انقلاب اسلامی مردم ایران جان خود را در طبق اینار نهاده، در گورستان دور افتاده‌ای، در کنار کسانیکه در صف ضد انقلاب بوده و اعدام شده‌اند، به خاک سپردند و از آن پس نیز از هیچ کوششی در جهت جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری برای آن شهید خودداری نکردند. اکنون من پدر آن شهید، در درد مند و سوگوار، متحیر و سردرگرم، فرو مانده‌ام که این چه ظلمی است که به ما روا می‌دارند؟ ما به دادخواهی به کجا پناه ببریم؟ آیا آخر و عاقبت جان‌نازی و پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی باید این باشد؟

پسر من در جنگ حق علیه باطل شهید شد. فرزند من داوطلبانه در جنگ شرکت کرد. این ظلم در مورد کسی اعمال شده است، که در جنیت نامه اش به پدر و مادر و دوستانش نوشته است: "۰۰۰ من به خاطر رهائی میهن از قید امپریالیست‌ها به جیبه رتم، برای من گریه نکنید، زیرا که شهادت در راه مردم گریه ندارد."

من به دستور کمیته مرکزی حزب، حزب توده ایران، همانند هزاران توده‌های و مبارز مسلمان به جیبه رتم، تا در راه رهائی زحمتکشان بکوشم."

— آیا بی‌اطلاع هستید از وصیت نامه رفیق شهید عبد‌الهاشم پور اسماعیلی، که در وصیت نامه اش می‌نویسد: "باید دستور حزب را اجرا کرد. من مین یایی را انتخاب کرده‌ام، که همیشه در صف جلو باشم. آخر من توده ای هستم."

او نوشت "۰۰۰ من از همین جا اعلام می‌کنم، که اگر شهید شوم، شهید حزب توده ایران، یکی از سربازان این حزب هستم و تا آخرین دقیقه به آرمان مقدس حزب وفادار بوده و هستم و می‌دانم بعد از شهادت من جریاناتی پیش می‌آید و دشمنان حزب و تعامی ضد انقلابیون، از عمال آمریکا گرفته تا بیکاری‌ها و غیره و جتیه‌های ها و عوامل ساواک و شاه و توده‌های نیز ناآگاهانه آب‌به‌آسیب امپریالیسم می‌ریزند و تبلیغات راه می‌اندازند و حدس می‌زنم دشمنان حزب جنازه مرا شاید به قبرستان نگردانند و یا اینکه از شرکت هواداران و دوستان حزب در مراسم تشییع جنازه من مانع ایجاد کنند، ولی مهم نیست، مهم اینست است، که مرگ من چه تاثیری در زندگی دیگران داشته باشد."

آقای صابری! اینها همان کسانی هستند، که شما از آنها می‌پرسید "آیا میتوانید فقط ذره‌ای از علاقه تان را — فقط ذره‌ای — از یک کشور خارجی بکاهید و تقدیم محرومان جامعه تان، که زیر بمباران میگها شهید شدند، بکنید؟"

به قول رفیق کیانوری "ما به جای شما خجالت میکشیم!"

خیر آقای صابری!

شما تا زمانی که برای تحقق آزادی‌های دمکراتیک قانونی پافشاری نکنید و برای اجرای صحیح و دقیق این قانون مرد مردانه به میدان نیایید

و از آن دفاع نکنید و آنرا بکرسی نشاند، نباید از دگران‌دیشان توقع داشته باشید، که بیایند و اسم و آدرس خود را در اختیار تان قرار دهند!

آقای صابری شما از نویسنده نامه می‌پرسید "اگر راست می‌گویید از میگ ۲۵ و ت ۷۲ دفاع کنید!" باید از شما خواست "اگر راست می‌گویید ۰۰۰ قانون اساسی را اجرا کنید و به آرای ۹۹٪ مردمی که به این قانون رای داده‌اند احترام بگذارید! دفاع از میگ ۲۵ و وظیفه ما نیست، ولی دفاع از قانون اساسی و اجرای آن وظیفه شما هست!

آقای کیومرث صابری! جلوی قانون شکنی را بگیرد و اجازه بدهید طبق قانون اساسی احزاب و گروههای سیاسی غیر محارب با داشتن روزنامه خود نظرات خودشان را با مردم در میان بگذارند آنوقت مطمئن باشید که شما دیگر نامه با نام مستعار (البته اگر چنین بوده)، و یا نامه بدون آدرس دریافت نخواهید کرد!

اما این نکته را هم نباید فراموش کرد، که آقای صابری بی‌لطفی می‌کنند، وقتی مدعی می‌شوند، که "منتقدین" "زیر نقاب نام مستعار پنهانند و نشانی ندارند!"

ایشان ذ به "نامه های زیادی در موافقت و مخالفت با آن سلسله یادداشتها (یادداشت‌های سفر شوروی) ۰۰۰" پاسخ می‌دهند و در جمله با دست‌پا زنه نامه انتقادی "ب. کوهیار" پس‌چرا به مطالب با نام و آدرس رفیق کیانوری در پرسش و پاسخ ۲۳ مرداد هنوز پاسخی نداده‌اند؟

برای تجدید خاطره لازم به توضیح است، که رفیق کیانوری در این پرسش و پاسخ از تلاش آقای صابری برای این که "ثابت کند که در شوروی آزادی نیست صحیحیت می‌کند و می‌گوید "ولی واقعیات چنان نیرومند است، که علی‌رغم این تلاش آگاهانه آقای صابری"، خود را نشان می‌دهد.

داستان از این قرار است: که آقای صابری می‌نویسد: "با هیئت نمایندگی ایران به مسجد مسلمانان در لنینگراد رتم. عده زیادی از مسلمانان در آنجا جمع بودند ۰۰۰ در این مسجد سفیر ایران در باره انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی و تاثیر انقلاب اسلامی ایران در منطقه صحبت کرد. بعد اعضای هیئت نمایندگی ایران صحبت‌هائی با امام جمعه مسجد داشتند، که خیلی صادقانه و دوستانه بود. بعد هم اعضای هیئت نمایندگی ایران عکس‌های امام خمینی را به طور وسیع میان مسلمانانی که حضور داشتند، پخش کردند و آنها با چه ذوق و شوقی این عکس‌ها را گرفتند، بعد هم ایستادند با هیئت نمایندگی ایران عکس انداختند و هیئت نمایندگی ایران هم این عکس‌ها را آورد و در روزنامه های رسمی ایران چاپ کرد."

رفیق کیانوری در ضمن مقایسه آزادی در جمهوری اسلامی ایران و شوروی و این که آیا تصور اینسن ممکن می‌بود که مارکسیست‌ها در تهران کلسوپ می‌داشتند و همین جلسه لنینگراد را در تهران برگزار می‌کردند، به آقای صابری انتقاد می‌کند، بقیه در صفحه ۵

### آقای کیومرث صابری! اگر راست میگویید، قانون اساسی را اجرا کنید!

بقیه از صفحه ۴

که "ضمنا من مطمئن هستم، که اگر هیئت نمایندگان شوروی می آمد و در جلسه مارکسیست های ایرانی در کلوپ آنها در تهران شرکت می کرد و درباره سوسیالیسم و مارکسیسم صحبت میکرد و عکس لنین را پخش می کرد، حتما پشت عکس لنین به انگلیسی نوشته بودند، لااقل به زبان فارسی می نوشتند." زیرا "آنها برای خود و برای مردمی که با آنها مناسبات دوستانه دارند، این قدر احترام قائلند، که پشت عکس لنین را به زبان مردمی که برایشان عکس پخش می کردند، می نوشتند. پشت عکس امام خمینی را لااقل به زبان فارسی به نویسید، نه به زبان انگلیسی! آمریکا زدگی و انگلیسی زدگی شما تا این حد است. ما به جای شما خجالست می کشیم."

آیا آقای صابری به این انتقاد با نام و نشان پاسخ دارند که بدهند و یا داده اند؟

ما که هنوز ندیده ایم!

یک سوال دیگر هم ما از ایشان داریم و مایلیم خاطر نشان سازیم که آدرس دفتر روزنامه ما درج شده است. البته ایشان باید به بخشند، که ما هم

از ارائه نام و آدرس شخصی خود معذوریم!

سوال ما این است، که شما که خود را "ضد شوروی" نمی دانید، شما که خود را "مواضع ایران" می دانید و سعی کرده اید تا "دوستی با یک کشور خارجی، بینائی چشمها تان را از شما نگیرد"، چرا سولاتان را از آقای کوهیاری کنید؟ مگر آقای کوهیار وزیر دفاع، وزیر خارجه یا رئیس دولت شوروی است؟

شما اگر راست می گوئید "و واقعا میل دارید مسئله برایتان روشن شود، اگر هدف تان آن نیست، که بقول امام خمینی، رهبر انقلاب "شوروی را مطرح کنید تا آمریکا منسی" شود، "چرا درباره میگ ۲۵ و تانک ت ۷۲" از بنفیر اتحاد شوروی، که در تهررا دم دستتان است، سوال نمی کنید؟

و یا سفیر جمهوری اسلامی ایران را در مشکو به وزارت امور خارجه اتحاد شوروی نمی فرستید و از آنها سوال نمی کنید؟

چرا این سوال را، اگر نمی خواهید از شوروی مستقیما بکنید، از طریق حافظ اسد، که دوست جمهوری اسلامی ایران است، هما نظور که حجت الاسلام رفسنجانی در هفته های اول جنگ تحمیلی عراق در جریان سفرش به سوریه در مورد به اصطلاح ارسال اسلحه از شوروی به عراق کرد، نمی کنید؟

چرا این راههای ممکن را، که به رویتان باز هستند بکار نمی گیرید؟ و سراغ آقای کوهیار میروید؟ آیا جز این است که شما، آگاهانه و یا ناآگاهانه، با طرح اینگونه سوال ها در برابر افراد که نه سر بیاز هستند و نه ته بیاز و طبیعتا نمی توانند از اسرار نظامی اتحاد شوروی که سهل است، از اسرار نظامی کشور خود نیز اطلاعی داشته باشند، که نباید هم داشته باشند، یک هدف تبلیغاتی مشخص را دنبال می کنید و آن "ایجاد جو سوؤظن و عدم اعتماد بین ایران و همسایگانش" (نامه برژینسکی به ونس) و دامن زدن به این جو ناسالم و خطرناک برای حیات انقلاب ایران است!

آقای صابری این خط، خط برژینسکی است! اگر آنرا نمی شناسید و ناآگاهانه به این دام افتاد اید، به این وسیله توجه شما را به آن سوق می دهیم!

اما مطمئن باشید، همانطور که ما در مقاله "آیاشی گری مطبوعاتی!" در "راه توده" شماره ۱۲ نیز ذکر کردیم، "مردم با شم طبقاتی و انقلابی خود" خط برژینسکی را، چه آگاهانه دنبال شود و چه نا آگاهانه، خوب تشخیص میدهند!

## افتخارات حزب توده ایران

بعد از شاه ساواکی ها، قطب زاده ها، بنسی صدرها و مائوئیست های رنگارنگ دیگر، معروف به تریچه های پوک، اینک کاظم شریعتمداری نیز در ندامت نامه خود، که به حجت الاسلام ری شهری نوشته است، با گذاشتن حزب توده ایران در کنار مسعود رجوی، رضا نیم پهلوی، بنی صدر، کومله و غیره حزب توده ایران را "محکوم" کرده است!

فکرمی کنید شریعتمداری خائن این کار را به عنوان سخنگوی ساواک انجام می دهد

و یا

— به عنوان سخنگوی و عساکر السلاطین؟ برای آشنائی بیشتر خوانندگان "راه توده" با سوابق نظری و عملی آقای سید کاظم شریعتمداری یکی از اسناد همکاری ایشان را با ساواک، به نقل از کتاب "اسنادی از همکاری شریعت مداری با رژیم شاه"، در زیر منتشر می کنیم. لازم به توضیح است، که تاریخ مندرج در سند که همان ۱۹-۳۶۲۰۰ تاریخ "شاهنشاهی" (!) است، که همان ۱۹-۳۶۲۰۰ در جریان انقلاب، است.

### حزب رستاخیز ملت ایران

جناب آقای محمداقرباب زنگنه  
مدیرکل حزب رستاخیز ملت ایران

در اجرای دستور آنجناب روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ بهرتم حرکت وطن فرارظرفونی فبلی ساعت ۱۶/۳۰ باحضرت  
آیتالله شریعتمداری بهر عمومی ملاقات کردم. نتیجه مذاکرات بشرح زیر گزارش میشود.  
بیانات آقای شریعتمداری

۱- ما در اجوابی که بهت بوده، تظاهرات روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ و نظایر ابرار ترضیب میدهد بیشتر از آنچه بسا  
استقلال و رژیم ما مخالف هستد. با عالم روحانیت و دیانت محالمت داریم حتی حمایت بهتروایان مذهبی را  
نهدیم میکنند. از ابرو اقدام برای ریشگی کردن محرکین عاملین پشت پرده این تظاهرات از جهت ملنگسی و  
از جهت دیانتی ضرورت دارد.

بیدرگننده از هر چندگاه از طرف دولت گمانی با ایشان ملاقات و درباره مسائل عمومی مشاوره می کردند.  
همین امر از بروز حوادثی از آن قبیل که در ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ اتفاق افتاد پیشگیری میکرد. از اینکه چنین ملاقات و  
مشاورههایی اخیراً دست نیده ابراز تاضیف میکردند و ضرورت این مشاورهها تاکید میفرمودند.

همین مشاورههایی صورت روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ و انتشار حاله ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ روزنامه اطلاعات و بعد آن روزنامه  
و نظایر درباره آقای خمینی میدادند و متفقد هستند که انتشار چنین مطالبی بهوجه صدمت نمودن است زیرا که  
اولاً امروزه که دانش پراوشی پیورده میشود نکرده. ثانیاً "بهادری" دست مخالفین ملکت برای هرک احصایات  
الفراد مذهبی متصعب داد.

همچرا زمان واقعه با بدینگونه ترح میدادند که پس از انتشار این مقاله در محافل و مجالس مختلف مذهبی  
و حزبی، مجلسی قم سخنانی اعتراضی ابراز میشدند و خود این ملاقات توهین به عالم روحانیت و اسلام معرفی میگردد  
بمدار شهر روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ در حوزه درس بی از روحانیون قم به نام (نوری) مطالبی در همان زمینه اظهارشده که  
بوجه تحریک احصایات گردید.

پس از خاموشی و غنی طلاب دسته جمعی مراجعت میگردد گفتگوی اعتراضی از آن موجب تجمع مردم  
و تظاهرات شده است. چون مسرتان از مطالب محل حزب بوده با توجه با اینکه زانبرضا بهر مطلب اطلاعات

### دست زده سینه «اسلام توکلی»

بقیه از صفحه ۱۱

غیر قانونی اعلام کردن سندیکا ها و شورآها و یا  
تنظیم لایحه هائی این چنانی، که نه تنها درد  
کارگران را دوا نکرده اند، نه تنها گامی در جهت  
رفع بیکاری میلیونها نفر کارگران بیکار برنداشته  
اند، بلکه با جانبداری از منافع "سرمایه داران  
صالح" و صاحبان "سرمایه های حلال" رود روشی  
نظریات خود را با اهداف خلقی خط امام نشان  
داده اند.

ایشان نه تنها دردی از درد های انقلاب دوا  
نکرده اند، بلکه هر بار به نوعی بر مشکلات آن هم  
افزوده اند.

مقاله " زیر از کتاب " نظری به سیر انقلاب کشورما " (انتشاری حزب توده ایران، تهران، شهریور ۱۳۶۱)، نقل شده است. این کتاب بسزوی در خارج از کشور منتشر خواهد شد.

بسیارند کسانی که در باره انقلاب ایران، گاه با حسن نیت و گاه نیز بدون آن، تصور مشوشی دارند و آنرا بعنوان انقلابی که با از روز نخست در جاده لازم خود نبود و یا لاف اهل حال از جاده مطلوب و مسود انتظار خود خارج شده و در انحصار قشر معینی از روحانیت و اندیشه‌های خاص آنها قرار گرفته، می‌پندارند. در واقع در میان روحانیت و مسلمانانی که در این انقلاب شرکت و نقشی موثر دارند، طالبان انحصار قدرت و اولویت عمل، تا امروز کم نیستند. ولی بنظر ما انقلاب ایران دارای اوصاف و نه امر سلف شده است و نه می‌تواند در انحصار قشر معینی قرار گیرد: انقلاب ایران یک رویداد عظیم ضد استعماری و ضد استبدادی و مردمی در کشور ماست که جزئی از روند برپلاطم و طولانی انقلاب جهانی علیه ستم و بهره‌کشی است و دارای پرتوانگی نیرومندی، نخست در منطقه خاورمیانه و سپس در حوادث جهان خواهد بود و تا امروز گمانا حرکت خود را در خط لازم به پیش حفظ کرده است. و تاکنون دلبری در دست نیست که از مسخ یا سلف یا شکست یا بسویدن انقلاب سخن گویند و حکمی بدبینانه صادر کنیم.

فراز و نشیب انقلاب در کشور

تردید نیست که انقلاب ۲۲ تیر ۱۳۵۷ هجری قمری در کشور ما عملاً و در نتیجه تاثیر بحرینی و بهیچدگی وضع کشور، منطقه و جهان به انقلابی سخت پیچیده و مزخج بدل شده است. که درک درست ماهیت و آینده آن، حتی بسیاری از افراد دقیق و تیزهوش را " گنج می‌کند " و در نتیجه تاثیر بحرینی و بهیچدگی وضع کشور، منطقه و جهان به انقلابی سخت پیچیده و مزخج بدل شده است. که درک درست ماهیت و آینده آن، حتی بسیاری از افراد دقیق و تیزهوش را " گنج می‌کند "

این انقلاب بیش از هر انقلاب دیگر نظیر، خواستار شکیب و پایداری روحی هواداران خود است تا ثمرات واقعی آن پدیدار آید و ثنیت و فرجام آن تحقق پذیرد. هنوز وقتی در میان برخی " روشنفکران " ( که متأسفانه از روشنگری بیشتر خشنود و دارند ولی اهل خواندن و مطالعه انسان و بررسی و عقیب حوادث و مدافعه در آنها نیستند ) کم نیستند که چون " امیرالیم انگلوسکون " را مانند روزگاری بیستین نیروئی قدر قدرت می‌انگارند، لذا بر آنند که انقلاب ایران نیز یک بازی تازه از " بازی‌های " آنها است و استدلال می‌کنند که کاری که شاه معدوم نتوانسته بود بویژه در مورد امپا " نیروهای " چپ " انجام دهد این انقلاب هم اکنون انجام داده و تا آخر انجام خواهد داد. یا آنرا ( انقلاب را ) نتیجه " رقابت " های انگلیس و آمریکا در منطقه می‌پندارند. و فرقیات عجیبی در باره‌اش می‌کنند.

در واقع از روز نخست سیا و اینتلجنس سرویس موساد علاقمند بودند که این انقلاب را " کار خودشان " جلوه دهند. زیرا با این عمل به دو هدف می‌رسیدند: هم حیثیت خود را بعنوان رهبر و سرور کل ارگستر تاریخی حفظ می‌کردند. و هم با این عمل، انقلاب ما را که جزء انقلابات رهائی بخش در " جهان سوم " است و نظایر داشته و خواهد داشت آلوده کنند و آنرا ترندی از طرفداری امپریالیستی جلوه دهند. اینکه مثلا آریل شارون در آستانه هجوم اسرائیل به لبنان علنا " در واگتن از دروغ بزرگ فروش اسلحه به ایران سخن می‌گوید، از همین نوع ترندها برای آلودن ایران و مفتوش کردن مهرهها و ورق‌هاست.

نه این چنین نیست و خوشبختانه چنین نیست. و نیز خوشبختانه امپریالیسم نقش گذشته خود را در تاریخ از دست داده است و دیگر نیرویی برای سگانداری مطلق تاریخ عصر ما رسا نیست و این را حوادث پیش از پیش ثابت می‌کنند. انقلاب ایران انقلابی است واقعی، خلقی، بروجشده از زرفای ده و شهر ایران، از نوع انقلابات رهائی بخش ضد امپریالیستی، که در کشور ما به عمل خاص و فابل درک برهبری روحانیت مبارز و بر راس آن امام خمینی انجام گرفته است.

تجارب جهانی نشان داده است که ادو پایه و استراتژی امپریالیسم اشاعه سرمایه‌داری وابسته و شیوه زندگی بورژوازی، عرب گریبانده در " جهان سوم " است. انقلابی که برهبری امام خمینی انجام گرفته سعی دارد این دو پایه را خرد کند. حتی اکثر انقلاب ایران سرانجام " مسخ شود " یا شکست بخورد و بدست درخیمان ارتجاعی و امپریالیستی در خون غرق گردد ( احتمالی که قوی سبت ولی بطور عینی محتمل است ) این توصیف از انقلاب ( که آگاهان از روز نخست بیان داشته‌اند ) وثوق و صحت و اعتبار وقت علمی خود را حفظ می‌کند. آری انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی ما می‌تواند شکست بخورد - گرچه این احتمال بسیار ضعیف است - ولی شکست، خصلت انقلاب را آنچنان که بود و هست درگرونی نمی‌سازد و نمی‌توان گفت: " دیدید ما می‌گفتم! "

یکی از دلایل بهیچدگی " انقلاب ایران آنست که در این انقلاب نیروهای مختلف: لیبرالها، چپ‌نماها، مسلمانان قشری، عمال ریکارنگ نفوذی وابسته به امپریالیسم و دست‌نشاندهگان مثال آن، هر یک سرفاس نیت خود شرکت جسته و انقلاب از همان آغاز در کنترل کامل و بی‌نیرو برگرداریدگی کالترین نیروی قوی انقلابی آن ( یعنی امام و پیروان مشی او ) نبود و تاکنون هم متأسفانه نیست. وجود خطوط مختلف در این انقلاب، نبرد گاه پنهان و گاه آشکار

" راه عشق ارچه کمین‌گاه کمانداران است هر که دانسته رود صرفه زاعدا ببرد " حافظ

نظری به سیر انقلاب کشورما (ارزیابی لحظه)

این خطوط با هم، تلاشی آنها برای خشی گذاشتن عمل یکدیگر، و در نتیجه در جازدن انقلاب، برحی را کج کرده است. انقلاب ما انقلاب عجبیبی است و ویژگی‌های خود را داراست. انقلاب در یک کشور گاملا " وابسته و شاهنشاهی به کمک یک اهرم نیرومند فرهنگ مذهبی و مقابله شدید با شیوه زندگی وارداتی انجام گرفت تا بتواند خود را از اسارتگران برکند و راه مستقل شکوفایی خود را بیابد. در آن تردید نیست، روزی که این انقلاب به پیروزی نهائی برسد ( که به احتمال قوی چنین خواهد بود ) آنگاه تشخیص این مطالب بدیع و شگرف سیل و ساده میشود. چنانکه فی‌التمل اکنون تشخیص نقش دولت بوقت آفای بازگمان کسانیمانند. نرسه و انتظام و سراسغای. و مدتی و ریش جمهور اسبق بنی‌صدر و وزیر امور خارجه اسبق صادق قطب‌زاده و شریعتداری و احزابی ماسد حزب خلق سلمان و " مجاهدین خلق " و دیگرکات فلسفی و عزالدین حسینی و غیره سهل است. " مسئله چون حل شود آسان‌تر شود. " بگفته، امام مشکلات تا برای حل آنها اقدام نشده‌مرد را بزرگ نشان میدهند ( از بیخناص امام باولکا، مجلس و قنات در خرداد ماه ۱۳۶۱ ).

اکنون دو خط عمده در انقلاب وجود دارد: یکی خط امام و یکی خط مخالف آن، نه فقط در میان ضد انقلاب و لیبرالها، بلکه هم چنین در میان مسلمانان و بخشی از روحانیت. ما در این نوشته می‌خواهیم از این خط اخیر مسلمانان و انقلابی‌نما سخن گوئیم: خط مخالف امام بواقع مهمی را در دولت‌نهادهای آن، در ارتش و سپاه و در دیگر نهادهای انقلابی در دست دارد و در سیاست خارجی، داخلی، اقتصادی، فرهنگی رخنه کرده و دارای نظریات خاص خود است که در جهت حفظ بهره‌کشی خانها، ملاکان و سرمایه‌داران بزرگ است و با نظریات خط امام تعابو ماهوی دارد. اعضا این خط هر نامی که روی آن بگذارید مذهبی " جبهه " متحد نیروهای ضد انقلابی است که با دکوراسیون مذهبی وارد میدان شده‌اند و می‌خواهند ثابت کنند که یک انقلاب به زبان بهره‌کشان شرعی نیست.

در یک کلمه خط دوم ( مخالف خط امام ) طرفدار حفظ اصول سرمایه‌داری و بزرگ ملاکی ( اربابی - رعیتی ) و خانی - عشیرتی، حفظ روابط نزدیک با دولتهای مترجم منطقه ( مانند پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، مصر و غیره ) و نزدیکی با غرب امپریالیستی است. و در این لحظات که این محور نوشته میشود، به پیروزی نهائی خود بر خط امام اگر گاملا " مطمئن هم نباشد، باور دارد و با غرور و کیکبه و دبدبه " خاصی از خود دم می‌زند. شاید یک علت آن وجود مقامات ذی‌نفوذی است که به نیت احترام از اختلاف، عملا " یک جهت راحت حمایت قرار میدهند و در واقع موضع " میانرو " و " نوسانگر " را اتخاذ کرده‌اند. ( ۱ )

وجود این خط دوم و قدرت آن در دستگاه دولتی و نهادهای انقلابی به تنها اقدامات پیروان خط امام را در راه اصلاح جامعه بسود مستضعفان ( کارگران، دهقانان، قشرهای متوسط و فقیر جامعه ) تاحدود جدی خشی گذاشته است، بلکه تهدیدی است برای انقلاب و انقلابیون راستین.

این مبارزه یکی از بحرینترین و خطرناکترین مراحل مبارزه " که برکه " در انقلاب استقلال طلبانه و مردمی کشور ماست. مبارزه‌ای که در همه انقلابها تا حل نهائی خود از مراحل متعدد و بسیار دوتوار می‌گذرد و فضای پر بیم و امید و آسودگی را بوجود می‌آورد. در اینکه این دو خط همساز و هم گنجا نیستند تردیدی نیست ولی نمی‌توان حل مسئله را نیز خیلی آسان گرفت. برای عده‌ای از مردم ایران که غالباً در اثر تحلیل‌های سرسری ( یا بکاربردن اصطلاحات سهیمی مانند: " حکومت اینها "، " حکومت آخوندها " که با الهام‌گیری از رادنیوهای ضدانقلابی گفته میشود ) همه را بیک چوب می‌راندند، خط دوم ( ۲ ) که ماهیتاً ضد انقلابی است از این کجی برای سر

خورده کردن و دلسرد ساختن مردم از انقلاب استفاده می‌کند و استفاده هم کرده است. در واقع اگر سرانجام گرفتن این نبرد بطول انجامد، بر درجه سردرگمی و دل‌سردی عمومی بعد خطرناکی افزوده خواهد شد. امید است که آنتشار این نوشته ( که معمولاً " از مبداء " نگارش آن سر به دو و سه ماه دیگر می‌زند ) مبارزه دو خط که هم اکنون تا حدی آغاز شده، لافل به آن درجه از وضوح و خوانائی برسد که مردم حساب " خط امام " را از منظره‌های ارتجاعی خط دوم ( که در پوشش مذهب و احکام قرآنی و تفسیرهای فقهی صورت می‌گیرد ) جدا کنند و بدانند که در ایران انقلاب نشده است که مثلا " صاعد لخت مردان را در روزهای گرم تابستان در سطل رنگ غوطه‌ور سازند یا بر در و دیوار شهر " مرگ بر نیمه حجاب " بنویسند و جلوی لواط خلقی مانند ملی کردن بازرگانی خارجی و اصلاحات ارضی و غیره را سد کنند و افکار عمومی را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی برانگیزند. این مسلمانان " دروغین برای رسوا کردن حکومت اسلامی به اهل‌سناخته‌ترین اسلوبها دست زده‌اند و سلما " در میان آنها عمال سرویسهای جاسوسی و خرابکاری امپریالیستی کم نیستند و کسانی تحت

عنوان یا به‌تصور " ضرورت حفظ وحدت " ( علی‌رغم هریتی که در سرداشته باشند ) به بروز و حل اختلاف آسیب می‌زنند و مانع افشاء و مبارزه با آن میشوند. مابین تبلیغات رادیهوهای ضد انقلابی و تبلیغات اسین جناح در ماهیت تفاوتی نیست. در اثر همبودگی نیروهای انقلابی با این نوع نیروها ( که از خصلت خودجوخی انقلاب ما برای برزدن خود در آن سود جست‌اند ) بعنوان تشبیه می‌توان گفت که انقلاب وارد " تونل تاریک و درازی " شده است که بویژه برای نیروهای راستین انقلابی که " خط دوم " به آنها مودبانه و کین توزانه برچسب " خائن " و " ملحد " و " سئون پنجم " میزند، عجلانها بجز تنفی دودهای خفه‌کننده فشار و اهانت در این تونل دراز، چیز دیگری باقی نمانده است.

شاید بتوان گفت که روزی این تونل، تازه و بویژه پس از اظهارات اخیر امام در باره " مشکلات و ضرورت مبارزه " با آن، پدیدشده است، ولی جنگ با صدام و طوفه‌های وسیع دول امپریالیستی در منطقه و هجوم غدارانه آمریکا و صهیونیست جانتارکبه سرزمین خون آلود لبنان روند مبارزه با خط دوم را کند ساخته و گاه متوقف می‌کند. در واقع نیز مبارزه با امپریالیسم آمریکا را نباید ساده گرفت و از شتاب و احساسات‌بانی باید پرهیز داشت و مدبرانه گام برداشت تا به نتیجه مطلوب رسید.

امید است قبل از آنکه انقلابیون صدیق را " دودهای ارتجاعی " بهی از این مختیق سازد، قطار انقلاب شوکه‌مند ما از این تونل تاریک و باربگ خارج شود، و برای افراد صمیمی به انقلاب و خط اصل‌امام، اهم از هر بهنشی که داشته باشند، فضای تنفس پدید آید ( ۱ ) و قوانین خلقی که در " صندوق تعویق " تاریخ نهاده شده‌اند نه تنها توابین، بلکه اجرا گردند. البته ما این نبایش را با آرزوی شکست صدام و امپریالیسم و صهیونیسم تیمکار همراه می‌کنیم.

انقلابیون راستین درست بان سبب انقلابیون راستین هستند که خصلت این نوع " تونل‌ها " را در مسیر انقلابهای عصر ما درک میکنند. و با آنکه در اثر بی‌مهری‌های بسیار در واگنهای بی‌سقف آخر قطار جا داده شده‌اند " و مجبورند دودهای تلخ را تنفس کنند، با این حال خسروندی خود را در قضاوت و سرفستی خود را در مقاومت از دست نمی‌دهند و دچار انحراف از خط نمی‌شوند. تحمل این وضع از عین شرکت در ایثار جنگ و مشکلات دیگری با حفظ صداقت و بکرونی خود از اشکال عالی فدکاری انقلابی است که نظیر آن کمتر دیده شده است.

این آرزوی شریفی است که همه انقلابیون راستین که در این انقلاب صمیمانه از خط اسام پشتیبانی کرده‌اند هر چه زودتر هوای پاکتری را استنشاق کنند و ثمرات مردمی انقلاب را بچشند. انقلابیون اصل باید از ساده‌نگری و کم گرفتن دشمنی محول مانند امپریالیسم دلدار که سقوط قدرت خود را در منطقه برای خود می‌گیرد، میدانند، بپرهیزند و متوجه حساسیت عجیب وضع تاریخی خود باشند.

انقلاب ایران و منطقه

بسیرون آوردن شهر پنج میلیون تهران بعنوان " پایتخت کشور شاهنشاهی و کشور پهنایور چهل میلیون ما از جنگ خاندان پهلوی و مشاوران آنها ( مانند ریحارد هلمس و سولویان ) و خشی گذاشتن " لانه جاسوسی آمریکا در ایران، و امثال آن، هدف‌های اولیه انقلاب ایران بود که با شجاعت و تدبیرواتر بخشی انجام گرفت. زیرا این انقلاب، چنان که یاد کردیم، تنها دارای برد و بعد ملی نیست، بلکه یکی از هدف‌های آن کمک به رهائی منطقه و سپس کمک به رهائی جهان اسلام است که در صورت تحقق، استعمار رابرانو در خواهد آورد و در منظره جیمان درگرونی پدید خواهد آورد.

و مرج اولیه و فقدان وسایل ضرور، در عین نبودن سنت جنگ ملی قریب دو سده " اخیر در ایران " توانستند به‌بهای جاننازیهایی فراوان جلوی موج بولادین ارتش صدام را بگیرند. ارتش صدام ارتش زبده و تا دندان مسلحی محسوب میشد که نپاری نداشت از جهت سلاح و پول دغدغه‌ای بخود راه دهد. تمام جهان سرمایه‌داری امپریالیستی و وابسته در پشت سر روی‌ایستاده بود و ایستاده است. شکست صدام مانند شکست اروپای اشرافی در نورد والی Valmy " ( در انقلاب کبیر فرانسه ) و شکست ۱۴ کشور مداخله‌گر و ژنرالهای تساری در انقلاب اکثریت، نشان داد که یک خلق بی‌باخته در واقع منبع یک نیروی لایزال است. آزادی خرمشهر و اسارت ۱۶ هزار افسر و درجه‌دار و سرباز عراقی، جهان غرب را متوحش ساخت. ولی هنوز داستان به پایان مطلوب خود نرسیده است.

سافرت ریگان به اروپا در ماه ژوئن ۱۹۸۲ میلادی پس از اجتماع سران برتجع عرب در ریاض و سپس رویدادهای لبنان و هجوم اسرائیل و بندوستی‌های فیلیپ حبیب هاون وزارت امور خارجه آمریکا از جمله حلقهات سیاست غرب، برای آنست که صدام را نجات دهند. آنها فکر میکنند: اگر در عراق یک شورش خلقی موجب سقوط صدام شود و اتحاد دمشق و بغداد و تهران علیه اسرائیل وارد عمل گردد و نقش ایران در " جبهه " پایداری تقویت شود، شمار رهائی قدس از یک شعار خیالی و شاعرانه به یک خطر واقعی بدل میگردد. آنها از این منظره شیخ آلود که کم‌کم شکل بخود می‌گیرد، سخت‌هراسان و نگرانند.

آمریکا اسرائیل را به گفته رنالد ریگان " گنج استراتژیک " خود میدانند ولی در واقع این ازدهائی است که بر سر گنج " انرژی " خسارمیان خفته و پادار آنست. اگر درست است که زاین ۲۵٪ و اروپای غربی ۳۷٪ و آمریکای شمالی بیش از ۲۵٪ نفت خود را از خاورمیانه تامین می‌کنند، اگر درست است که عربستان سعودی با بازگذاشتن تسلیح آمریکا در غارت " استراتژیک " نفت غربی عربستان، قدرت کنترل را در سانوره‌های موفقیت‌آمیز در برابر ایک بالا برده است، در آنصورت سقوط صدام و بیخطر افتادن سلطه اسرائیل در " قدس " بچه معنایی خواهد بود؟

زمانی بود، تقریباً " در قرنهای دهم، یازدهم و دوازدهم میلادی، در گرمای قرون وسطا، که شوالیه‌های مسیحی مردم اروپا را برای نجات اورشلیم، شهر داور ترکی، براه انداختند و جنگهای صلیبی را علیه خاورزمین اسلامی دائر کردند و حتی توانستند در " اورشلیم یک حکومت صد و پنجاه ساله مسیحی برپا دارند. اکنون زمانی است که انقلابیون مسلمان کشورهای اسلامی را برای نجات همین اورشلیم، با شهر قدس و مسجد الاقصی، بسیج می‌کنند و جنگهای رهائی بخش را علیه اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن‌دائر می‌سازند تا بتوانند فلسطین اغتالی را نجات دهند و در واقع نوعی جهاد اسلامی در پاسخ طماع امپریالیسم و صهیونیسم بعمل می‌آید. همین وحشت بزرگ است.

لذا در تاریخ نیز بیژوگها وجود دارد. البته این یادآوری تاریخی تنها می‌تواند جنبال و شکست‌انگیز باشد و حال آنکه اصل حوادث دوران ما چنانکه گفتم ( جنبشهای رهائی بخش درمن روند انقلاب جهانی ) دارای ماهیت به کلی دیگری غیر از حوادث سده‌های میانه است که خصلت و توصیف جامعه شناسانه جداگانه‌ای دارد. ماهیت حوادث دوران ما نبرد خلق ما علیه امپریالیسم و بر راس آن امپریالیسم آمریکاست به نیت آزاد شدن از دام شیطانی استعمار و استثمار. آغاز " آخرین نبرد " انسان در راه رهائی کامل خود بسود ایجاد جامعه برادری و صلح است.

درست بهمین جهت انقلاب ایران بمشابه آغاز یک انفجار انقلابی تاریخی در منطقه سخت امپریالیسم آمریکا را مضطرب ساخته است. زیرا در آهنگ نیرومند ناقوس آن پیام مرگ بهره‌کشی را می‌شنود.

معنی این سخن آن است که انقلاب ایران نه تنها در درون، در جامعه ایران، ادامه دارد و باید سرانجام به پیروزی خط امام بر خط ضد آن منجر شود، بلکه در بیرون نیز ادامه دارد و سرانجام نه تنها باید رژیم صدام را برود، بلکه اسرائیل غاصب را نیز بکوبد و قدس را رهائی بخشد. این دو جهت انقلاب ایران بهم سخت درهم بافته است. اگر خط امام در درون پیروز شود، خط ضد صهیونیستی در منطقه نمی‌تواند به جایی برسد. آرزوی مسلمانان قشری هوادار سرمایه‌داری و غرب آشتی با فهدا و فیصل‌ها و حسنی‌ها و حسین‌ها و حسن‌ها و سرانجام بگن‌هاست. آرزوی آنها در داخل پیروزی قشرهای بهره‌کش است. هر دو " آرزو " سر و ته یک کرباس است.

درقبال این دورنمای عظیم انقلاب ایران، ضدانقلاب جهانی آرام نخواهد نشست. روشن است که اگر قدرت ضد امپریالیستی بسیار مقتدری در جهان و بر راس آن اتحاد جماهیر شوروی نبود، غرب امپریالیستی مدت‌ها پیش می‌توانست بر ما ضربه جدی وارد سازد. با فاقبیت ماب ریگان و دارو دستا در شرایطی که امپریالیسم قادر نیست به برتری نیروها دست یابد، در شرایطی که مداخله مستقیم امپریالیستی می‌تواند خطر جنگ جهانی را پدید آورد، می‌خواهد گره بپچاپچ انقلاب ایران و بحران منطقه را بسود خود حل کند. آیا خواهد توانست؟

بنظر ما در آخرین تحلیل نخواهد توانست. تردیدی نیست که امپریالیست ( و بویژه تجاوزگرترین محافل آن ) هنوز بسیار قوی، از خود راضی و ماجراجو است و می‌تواند ضریات بزرگ و دردناکی وارد سازد. امپریالیسم فاقد است به این موفقیت تاکتیکی بزرگ یا کوچک، اینجا و یا آنجا دست یابد ولی امپریالیسم قادر نیست در

درآمدت پیروزی استراتژیک را به یکف آورد. تمام مطلب اینجاست امپریالیسم ابتکار تاریخی را از دست داده و سفاک آینده است. تلاشهای او در دراز مدت عبت خواهد ماند.

هرگز انقلابیون پیروزی شخصی خود را به حساب هدف پیروزی نمی‌گذارند. تردیدی نیست که هر فرد انقلابی از شرکت در پیروزی امر حق شادمان میشود و این از مختصات انسانی او ناشی است. ولی برای تصرف یک " غلجه " یا یک " پایگاه حید " چه اندازه جوان‌سروقت بهاک افتاد و برای ابد چشم از جهان برپست. انقلابیون پیروزی جامعه و نوع انسان را هدف قرار میدهند. تفاوت عصر ما با اعصار پیشین در این است که در عصر ما پیروزی نهائی نوع انسان بر دیو- سرتشان انسان‌نما، این خادمان زر و زر، امری کاملا " شدنی است. ما بر آنیم که حتی در " سده " بیستم مراحل مهم این پیروزی را طی خواهیم کرد و در آستانه فتح نهائی خواهیم ایستاد.

لذا نبردهای امپریالیسم هر اندازه هم که بزرگانه باشد بی‌دور- ناست. اینرا " عاقبت‌ترین " جناح امپریالیستی نیز در اروپا و آمریکا احساس می‌کنند و شما در سخنان گروائسکی، براندت، شویدت، میتران، کندلی، فولبرایت، کتان، سایروس ونس و حتی کسانی مانند گلدوود و کهل و ماک نامارا ( سخنگوی ارتجاعی‌ترین بخش امپریالیسم ) این بی‌اطمینانی به آینده را احساس می‌کنید. محتوی استعاری " هیچ " دارای یک معنا تاریخی بزرگی است که آنرا آینده بیش از اکنون خواهد شکافت.

نتیجه‌گیری

پس تاریخ ایران، منطقه و جهان وارد یک رژیم نهایی و قاطع شده است که سرانجام آنرا بمبهای نوترونی، زبردنیهای تریپلنت، هواپیماهای ام-ایکس، سلاح‌های شیمیایی و لائزر ( ای‌تی‌کی ) حل‌نمی‌کنند، بلکه خلق‌ها حل می‌کنند. در دیپلماسی امپریالیستی از زمان بیت و دیسراشلی و هامپلتون برای نقش ویژه خلقها که غیر مترقب و اعجازگر است جاشی اختصاص نیافته و این خود بدبختی اترافیت بی‌اعتنا به مردم است.

خلق‌ها که اکثریت مطلق آنها در " جهان سوم " بخر میبرند، نه خواستار جنگند، نه خواستار استعمار و نواستعمار و نه خواستار بهره‌کشی سرمایه‌داران و ملاکان. آنها می‌خواهند در صلح و برادری و عدالت اجتماعی زندگی کنند. آرزوهای دور و دراز فلاسه و اتسان- دوستان و بهمیران به شمار روزمره توده‌های میلیون بدل شده است. این است ویژگی حیرت انگیز و امید بخش دوران ما. علاوه بر خلقهای " جهان سوم "، درنیای ما نیروهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری بشکل دولتهای مختلف تشکیل شده‌اند که بنوبه خود نیرومندند و با تمام قوا در برابر امپریالیسم استادگی می‌کنند. در میان آنها دولت اتحاد جماهیر شوروی بارها گفته است که وی به آمریکا اجازه نخواهد داد در راه آخر از برتری استراتژیک به‌موقعیتی برسد نیروی علمی و تبلیغاتی اتحاد شوروی در سطحی است که این سخن را به واقعیت بدل می‌کند.

تئوریسین‌های شوروی پیوند عمیق سوسیالیسم و انقلابی‌ها را- بخش را تصریح می‌کنند. مثلاً " ک. پروتست در کتاب " انقلاب های رهائی بخش ملی دوران حاصر " می‌نویسد: " بخش ملی در شرایط کنونی نقش عامل بین‌المللی از لحاظ کمی بحدت افزایش یافته و از لحاظ کیفی درگرونی شده است. پیش از همه باید خاطر نشان کرد که مناسبات بین‌المللی چنان درهم گره خورده‌اند که وضع و سر کل روند انقلابی، تاثیر فعالی بر پیشرفت و دورنمای هر یک از گردانه‌های آن دارد. پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم جهان سوسیالیستی تأثیری بلاواسطه بر تکامل جنبش‌های بخش ملی می‌گذارد. " ( ج ۱ ص ۴۸ )

علاوه بر همه اینها در خود کشورهای امپریالیستی بخشهای بزرگی از جامعه خواستار صلح و همکاری بین‌المللی هستند. راه پیمایی‌های عظیم در اروپا و آمریکا که گاه تا یک میلیون نفر را در بر گرفته است نموداری از آنست.

جنبش نیرومند زمکشان در این کشورها متشکل است و نمونه تازه آن اعتصاب پهنایور کارکنان متروی راه‌آهن انگلستان است که از ۱۹۲۶ نظیر نداشته. علاوه در این کشورها، کشورهایی هم هستند که از جنگ‌سودی‌نی برند و مثلا " اروپای فرسی و زاین بشهادت برخی واقعبات از ماجراجوییهای پاندریگان " خوشحال نیستند و نمی‌خواهند در " کوره " هسته‌ای جزغاله شوند. ریگان می‌خواهد با فشارهای سیاسی و اقتصادی آنها را بدنبال خود بکشد ولی کامیابی او در این زمینه تمام و کمال نیست.

بدینسان نیروهای اجتماعی یازدارنده بسیار قوی در جهان ما پدید آمده که هرگز در تاریخ همانند آنها دیده نشده است. صلح هرگز پاسدارانی چنین انبوه که خواه ناخواه باید آنرا حفظ نمایند، نداشته است.

تیرماه ۱۳۶۱

( ۱ ) این موضع میانه ممکن است از روی کمال حسن نیت و بعلت مشکلات حکم و سیاست منطقه باشد و ما بخود حق نمی‌دهیم درباره آن داوری نهائی کنیم ولی خط مخالف عملاً " از آن استفاده می‌کند. ( ۲ ) در اصطلاح برخی که خط اول را خط امام و خط دوم را خط پهلوالها و بنی صدر می‌شمرند، این خط سوم است که به‌وامد اران استثمار فرد از فرد تعلق دارد. ما بختی در اصطلاح و نام گذاری نداریم و مقصد محتوی بحث است و نام را به افاده " مقصود برگزیده‌ایم.

### رویدادهای ایران در ماه گذشته

بقیه از صفحه ۱

امریکا خنثی شود .....  
مصطفی تبریزی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در مصاحبه‌های متذکر شد: "خطر اصلی، خطر غرب و در رأس آن امریکاست."  
محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران هم هشدار داد: "امریکا و اسرائیل در تدارک توطئه جدیدی علیه ما در جنوب هستند."  
(۲۱ مهر ۶۱)

### دولت باید توده‌های محروم مردم را مقدم بنماید

مردم و منافق آنان به مثابه محور تمامی اقدامات بار دیگر در سخنان و موضعگیریهای امام خمینی و مسئولین پیرو خط امام جایی روشن داشتند. امام خمینی در ۲۸ شهریور تاکید کردند: "دولت باید توده‌های محروم مردم را مقدم بدارد و نفرهایی که مشغول بنارند را تشویق کند ۰۰۰ همیشه ما باید برای خدمت به توده‌هایی که در طول تاریخ همیشه محروم بوده‌اند کوشش کنیم." رهبر انقلاب در جای دیگری گفتند: "یک عده بسیاری از مردم خوب هستند و آن توده‌های مردم است ۰۰۰ توده‌های مردم، توده‌های ضعیف مردم، هم خوب هستند، کمتر در توشان آن فسادها پیدامی - شود ۰۰۰" (۲۹ مهر ۱۳۶۱) رهبر انقلاب چندی بعد نیز با تاکید بر اینکه "مردم همیشه در ظلم و ستم بوده‌اند" اظهار امیدواری می‌کنند تا به این مردم خدمت شود. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس نیز در دیدار با جمعی از مردم مستضعف استان ایلام و آقاجاری گفت: "حضور سیاسی افراد مؤمن و توفنده در صحنه انقلاب، این نبود را میدهد که ما در آینده جامعه‌ای اسلامی و مطلوب پیغمبر خواهیم داشت و ما امیدواریم در آنروز بجای مترفین و مسرفین و در کنار آن طبقه محروم، جامعه‌ای خالی از استکبار و استضعاف داشته باشیم." وی تاکید کرد: "ما از شما میخواهیم که خودتان را برای یک حرکت سیاسی - عقیدتی، اجتماعی، اقتصادی آماده کنید تا بتوانیم در جامعه‌ای بدون ظلم و تبعیض، بدون استثمار و زورگویی و بدون بی‌سواد و مریض و گرفتار و محروم زندگی کنیم." رئیس‌جمهور هم در این مورد گفت: "ما که امروز مسئول جامعه هستیم این را باید بدانیم و انشاءالله عمل کنیم که با مردم بعنوان یک مسئول و انسانی که با سنگینی مسئولیت را بعهده گرفته است مقابل شوم نه بعنوان کسانی که بر سر مردم متنی داریم و یا خود را بالاتر و برتر می‌دانیم ۰۰۰" وی گفت: "خدا انقلاب مایل است انقلاب ما نتواند خواست توده‌های مستضعف را برآورده کند." رئیس‌جمهور در جای دیگر تاکید می‌کند:

"توده‌های مردم ارتش عظیم انقلابند و روش ما حمایت از محرومان و مستضعفان چه در ایران و چه در سراسر جهان است."

### اصلاحات ارضی: دورنمایی امیدبخش

در مسئله مهم و گرهی اصلاحات ارضی ایران انقلابی شاهد اخبار و موضعگیریهای جدیدتری بودیم. حجت الاسلام فاضل هرنزی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در ۲۱ شهریور ۱۳۶۱ خبر از پایان کار بررسی لایحه اصلاحات ارضی داد. وی تاکید کرد طبق این لایحه "زمین را به کسی می‌دهیم که ساکن روستا باشد و شغلش کشاورزی باشد، خود شربخواهد کشاورزی کند نه اینکه کشاورز بگیرد." منبع درآمد دیگری نداشته باشد "وی گفت: "اگر زمین از راه غیر مشروع و مشکوک بود قهراً هصادره می‌شود و دولت بر آن مدیریت دارد." رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس با اشاره به ماده‌ای که در لایحه در مورد اراضی مکانیزه وجود دارد گفت: "باید تمام کارهایی که در کشاورزی لازم است با ماشین آلات صورت بگیرد." سخنان وی نشان‌دهنده تغییراتی چند در جهت مثبت در لایحه اصلاحات ارضی است. گرچه هنوز تا تصویب قطعی و اجرای نهایی راهی طولانی و پرنشیب و فراز مانده است. حجت الاسلام هرنزی با تاکید بر نقش انقلابی هیئت‌های هفت نفره گفت: "شما هر طور (نهادهای انقلابی) را تفسیر کنید، اگر هیئتهای واگذاری زمین در رأس آنها نباشد، حداقل برادر آنهاست ۰۰۰" وی تاکید کرد: "کسانی که در مقابل هیئتها بودند، افرادی بوده‌اند که پول داشته‌اند، زبان داشته‌اند، پا داشته‌اند، امکانات داشته‌اند، همسه جا توانستند حرف خلاف واقعشان را بزنند." وی با اشاره به برسمیت شناخته شدن هیئتهای ۷ نفری بعنوان نهاد انقلابی گفت: "آنها قهراً با تحرك و شور بیشتر کار خود را ادامه می‌دهند." و این تحرك و شور بیشتر در جهت اجرای نیل‌ساز حیاتی انقلاب خواست تمامی مردم انقلابی و روستا-نیان زحمتکش کشور است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ شهریور ضمن اشاره به "ستمگران اقتصادی"، "زالوفشان" و "غصب حقوق مستضعفین از بند" "ج" اصلاحات ارضی بعنوان عاملی که منافع اینان را بخاطر می‌اندازد یاد کردند. فواد کریمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در زمینه اصلاحات ارضی، با اشاره به "توزیع و تقسیم عادلانه زمین" گفت: "بسیاری رسیدن به خود کفایی کشاورزی ما ناچاریم، انگیزه‌هایی در نیروی کار ایجاد کنیم که نیروی کار را برای تولید به روستا برگردانیم و این نمیشود مگر با گذاشتن زمین و سرمایه در اختیار این نیروها" (۲۸ شهریور ۱۳۶۱). هم چنین در ۲۹ شهریور از سوی نخست وزیر بخشنامه‌ای در مورد حسوق "انحصاری" ستاد واگذاری زمین و هیئتهای ۷ نفره در مورد واگذاری ارضی بند الفوب صادر کرد. در این بخشنامه "کلیه وزارتخانه ها، موسسات و سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی همکاریهای لازم را در نظر کارشناس و تدارک امکانات یا هیئتهای مذکور بعمل آورند." در این بخشنامه آمده است: "تا تصویب قانون جدید به امور مربوط به کشت موقت توسط "بخشنامه صادره از شورای عالی قضایی انجام می‌شود" و "کلیه ارگانهای مذکور موظفند تا تصویب قانون

جدید در انجام امور مربوطه همکاریهای لازم را با شورای کشت معمول دارند."

در مورد مسئله اصلاحات ارضی وزیر دادگستری نیز طی مصاحبه‌ای گفت: "مسئله اصلاحات ارضی اسلامی در انقلاب ما ضرورت کلی دارد و اگسر اجرای بند "ج" که قبلاً با نظر ۳ نفر از بزرگان همچون حضرت آیت‌اله منتظری و آیت‌المشکینی و شهید مظلوم آیت‌اله بهشتی تصویب شده بود عمل می‌شد، یقیناً خارج از احکام اسلام نبوده است ۰۰۰" وی تاکید کرد: "با توجه به اصول قانون اساسی و با توجه به فرمان امام در اجرای قوانین اسلامی و نظر به تاکید امام در مورد مستضعفین و اقشار محروم جامعه، باید در قسمت اصلاحات ارضی تلاش بشود و اقدامات لازم انجام گیرد و گرنه مانند زوایای دیگر که دیر جنبیدیم، دیر حرکت کردن در این قسمت نیز به زبان ما منتهم می‌شود ۰۰۰" (۱۲ مهر ۱۳۶۱)

### عدالت اجتماعی، تجارت خارجی و...

در این زمینه بجزه نبرد پیروان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی با مخالفان آن در ماه گذشته شدت یافت. علاوه بر موضع‌گیری‌ها حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی که در بخش مربوط به نماز جمعه آمده است، آقای فواد کریمی رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس در زمینه عدالت اجتماعی چنین گفته است: "هدف انقلاب برقراری عدالت اجتماعی بوده و شکی نیست که جمهوری اسلامی باید برفع مستضعفین خصوصاً کشاورزان، برای تحقق عدالت اجتماعی نیرو و افزار خود را تقویت کند. نیروهای مستضعف همواره با زوری انقلاب بوده‌اند ۰۰۰ اینها پایگاه انقلاب و تکیه گاه آن هستند ۰۰۰ اگر عدالت اجتماعی برقرار نشود و این نیرو ضعیف بماند، تحت تاثیر صاحبان سرمایه و قدرت قرار می‌گیرد. صاحبان سرمایه و قدرت هم این نیروی پشتیبان انقلاب را در هم می‌شکنند، در نتیجه انقلاب از بین میرود." بنابراین هم بخاطر بقای انقلاب و هم اجرای عدالت اجتماعی باید نیروهای طرفدار انقلاب از نظر اقتصادی تجهیز و تامین بشوند تا نیروهای مخالف انقلاب بر او و بر انقلاب مسلط شوند ۰۰۰" (اطلاعات ۲۸ مهر ۱۳۶۱)

وی در مورد تجارت خارجی گفت: "بعضی از عوامل تورم، ناشی از تولید است و بعضی هم ناشی از عدم نظارت دولت در برنامه ارزی بازار است. شرکت بخش خصوصی به واردات کالا که ملی کردن بازرگانی خارجی می‌تواند نقش عمده‌ای در توزیع عادلانه کالا و مهار توزیع داشته باشد." (اطلاعات ۴ مهر ۱۳۶۱)

اصغری وزیر دادگستری نیز در این مورد گفت: "دولت وارد عمل می‌شود و قدرت را در دست می‌گیرد و کالاها را با عدالت بین مردم توزیع می‌کند، تجارت دولتی به نفع مستضعفین و کشاوراست، چون قدرت توزیع کالا را از دست انحصار طلبان خواهد گرفت ۰۰۰ باید دولت طبق قانون اساسی عمل کند و از سود جویی عوامی که میلیونها تومان در سال سود می‌برند جلوگیری کند ۰۰۰" (۶۱/۷/۱۲)

و سرانجام باید به سخنان رئیس کمیسیون بقیه در صفحه ۹

### از اهداف ضد امپریالیستی و خلقی...

بقیه از صفحه ۲

در جنگ باعث خواهد شد، که مردمی که برای رسیدن به کربلا تجهیز شده اند، از رژیم خمینی روبرو گردانند. و سوال می کند "رژیم خمینی پس از شکست حمله انقلابی به بغداد و کربلا، تا کی می تواند به حیات خود ادامه دهد؟" و نتیجه می گیرد، که چون برای هردو رژیم مسئله "مرک و زندگی" مطرح است، بنابراین جای برای صلح و سازش نیست!

بعبارت دیگر، آقای شولاتور، با روشنی آب زلال به امپریالیسم توصیه می کند، که چون شرایط برای ادامه جنگ کاملاً مساعد است، باید آنها در این جهت کوشا باشند، تا یک جنگ طولانی فرسایشی را به ایران (و عراق) تحمیل کنند. هدف وی از کشورهای سرمایه داری اروپای غربی میخوابد که به همراه کشورهای مرتجع منطقه به یاری عراق بشتابند و مانع از شکست رژیم صدام گردند، که نتیجه این کمک شکست انقلاب ایران است.

وی در همین حال برای رفع هرگونه نگرانی دولت امپریالیستی از این که مبادا در اثر شکست جمهوری اسلامی ایران در جنگ، ایران بدست کمونیست ها بیفتد، اطمینان می دهد، که "به دعای محافظل مهاجر ایرانی، که شایع می سازند، که ایران بطور نامرعی بسوی کمونیسم پیش می رود، نباید وقتی نهاد "زیرا" انقلاب اسلامی کلیه فعالیت های مارکسیستی را بشدت تحت نظر دارد. ولی توطئه شیطان "تحمیل جنگ طولانی فرسایشی" به نظر او، نباید مانع از آن گردد، که امپریالیسم تا زمان شکست انقلاب ایران، متحمل خسارات بازرگانی و اقتصادی شود.

وی با محاصر اقتصادی ایران مخالف است و از خشونتی و رضایت شرکت های آلمانی ای صحبت می کند، که به فعالیت خود در ایران ادامه داده اند و اضافه می کند، که روش اتخاذ محاصره اقتصادی موجب ضرر مضاعف و در برگیرنده خطر بسیار بزرگی برای غرب است. ضررفوری و مالی آن این است که کشورهای امپریالیستی از سالی ده ها میلیارد دلار معامله با ایران محروم می گردند. خطر بزرگتر، به نظر وی، آن است که اگر آنها روابط اقتصادی خود را با ایران قطع کنند و ایران از کمک های مادی و هبستگی بین المللی جبهه عظیم جهانی ضد امپریالیستی برخوردار گردد، به جان ثباتی دست خواهد یافت، که شکست آن غیر ممکن خواهد گشت.

بعبارت دیگر، نکته دوم نظر آقای شولاتور آن است، که "دولت ایران برای روابط گسترده و عمیق اقتصادی با اروپای غربی تلاش می ورزد" و تاکید می کند، که باید کشورهای سرمایه داری اروپایی روابط اقتصادی خود را با ایران توسعه دهند. زیرا فقط از این طریق است که می توان از "تاسفی" که روزی اروپای غربی به آن دچار خواهد شد، مصون بمانند.

معنای این سخنان آن است که محدودیت روابط اقتصادی ایران با کشورهای سرمایه داری، که سه بعلت محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا، عملاً به کشورهای اروپای غربی محدود می شود، تنها راه حفظ ایران در ذخیره کشورها و سیستم

جهانی سرمایه داری است. در غیر اینصورت ایران برای توسعه اقتصادی اجباراً به کشورهای سوسیالیستی رو خواهد آورد و به استقلال اقتصادی دست خواهد یافت. و آنوقت از کشور ذخیره سرمایه داری جهانی خارج خواهد شد. امید این کشورها به نگهداشتن ایران در ذخیره سرمایه داری جهانی بویژه در چهارچوب تلاش دولت جمهوری اسلامی ایران برای احیا و نوسازی صنایع نفت است. امپریالیست ها امیدوار هستند از این طریق دوباره به ایران راه یابند و جای پای خود را محکم کنند. البته به قیمت و شروطی که آنها می خواهند، همانطور که تا پیشها در مورد پتروشیمی بندر امام خمینی نشان داده اند.

اگر ما بجای "دولت ایران" که به نظری آقای شولاتور "برای روابط گسترده و عمیق اقتصاد با اروپای غربی تلاش می کند"، اسامی عناصری مانند بنی صدرهای افشاء شده و بنی صدرهای شناخته نشده امروزی را به گذاریم، متوجه می شویم، که "جریان راستگرای مخالف خط امام" یا شعار "ادامه سیاست (خرابکارانه) فعلی" دقیقاً مشغول اجرای همین نقشه امپریالیسم است!!

چه خوشگفت شهید بهشتی: "جمع بندی این که ما باید روی نفی سرمایه داری تکیه کنیم (به اس نفی درم دف کند) و هیچ رحم نکنیم که سرمایه داری نتواند در این جامعه بماند. همین همدارشی هم که هست، باید ریشه کن کنیم. واقفا اگر فردی، جمعی، گروهی، ذرهای در این مسئله بردید بکنند، خطرهای بزرگی منوجه این نقصهایی که در برنو انقلاب به دست آمده گردماند. ما در این باره نباید هیچ تردید بکنیم. هیچ درنگ نکنیم و هیچ وقت تلف نکنیم. ما با تمام توانمان جلوی سلطه سرمایه داری خارجی، داخلی و انبسته، داخلی غیر وابسته (افرنی نمی کند باید جلوی همه این ها را) بگیریم. برای این منظور کارهای زیادی باید انجام بدهیم.

با توجه به درس های تاریخ، که از جمله در صحبت حجت الاسلام کروبی تکرار شده است و با توجه به نظریات حزب توده ایران که بارها در اسناد حزبی بیان شده است و بالاخره با توجه به تحلیل فوق بد رستی این سوال مطرح می شود، که تا کی مبارزان صادق خط امام "مارد راستین می پروارند" و با تحمل حضور عناصر "جریان راستگرای مخالف خط امام" در دولت و دیگر ارگانهای جمهوری اسلامی ایران اهداف ضد امپریالیستی و خلقی خط امام را با خطر "ذبح شری" و تهی شدن از محتسوی واقعی آن دست به گریبان می کنند؟

آیا وقت آن نرسیده است، که یک "یک دستی" در ارگانها بر مبنای نظریات خط امام ایجاد شو و به التقات خط ها پایان داده شود؟ و از این طریق اقدامات انقلابی را با بینش روشن و قاطع به پیش ببریم؟

مردم پشتوانه خط امام هستند و از یک چنین "پاکسازی" ای قاطعانه دفاع خواهند کرد. خط ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری و ضد دیکتاتوری و خلقی امام، که به حفظ قانون پایبند است، تنها خط درست انقلاب است. در این سردید نباید داشت! باید با تمام توان از این خط دفاع کرد!

### رویدادهای ایران در ماه گذشته

بقیه از صفحه ۸

اقتصاد مجلس شورای اسلامی در ریزه تعاونیها که در سایه تلاش گسترده گروهی در گسترش بخش خصوصی، از نظر دور مانده است اشاره کنیم: "همه مردم باید در تعاونیها شرکت کنند تا در انحصار عده های سرمایه دار قرار نگیرند، ضمن مشارکت مردم دولت هم باید در تشکیل تعاونیها کمک کند و مطمئناً با حضور مردم در تعاونیها، تولید و افزایش خواهد یافت."

### راستگرایان مخالف خط امام فعالند

طیف گسترده نیروهای راستگرای مخالف خط امام در همه زمینه ها چه سیاسی و چه اقتصادی در ماه گذشته نیز همچنان فعال بودند. این فعالیت بخصوص در تصمیماتی که به سود بخش خصوصی و گسترش بی سابقه آن گرفته شد چشم خورد. شورای عالی اقتصاد فعالیت بخش خصوصی را در صنعت تصویب کرد و کار این بخش در رکشاوری را مورد حمایت و تشویق قرار داد. و گفته شد: "به تناسب رشد فعالیت بخش خصوصی و تعاونی در رکشاوری از فعالیت مستقیم دولت در تولید کاسته می شود." (۱۳۶۱/۱/۲۳) استاندار آذربایجان غربی هم ضمن اینکه "سرمایه گذاری بخش خصوصی در تولید و صنایع" را یکی از راههای "حصول به خودکفایی اقتصادی و راهی از وابستگی اقتصادی" می خواند. "از بازار ایران متعهد" دعوت به کار کرد و اعلام نمود که به کسانی که علاقمند به فعالیتهای تولیدی در آذربایجان غربی هستند و سرمایه کافی ندارند تا ۷۰ درصد سرمایه لازم برای تشکیل یک واحد تولیدی وام پرداخت می شود. از سوی دیگر وزارت کار طی بخشنامه برقراری بیمه کارگری، حق مسلم و خدشه ناپذیر رزحکنشان را منوط به رضایت کارفرمایان می کند و می گوید: "باید برای بیمه کارگران و کارکنان واحد ها ۰۰۰ ضرورت رضایت طرفین (کارگرو کارفرما) مورد تاکید قرار گیرد." و این در حالی بود که چندی بعد سازمان بیمه های اجتماعی طی اعلامیه ای این تصمیم را "اظهار نظرهای مختلف و غیر مسئولانه" خواند و مسائل بیمه کارگران و تامین اجتماعی را وظیفه این سازمان یافت. در همین مورد باید اضافه کرد "خط" سازش که در وزارت کار حاکم است کوشید با ارائه لایحه ای (که متاسفانه هیئت دولت هم آن را تصویب کرده بود) آنچنان که در مجلس گفته شد "زمان و مهار همه شوراها را بدست کارفرمایان و بخش خصوصی و مدیران و کارمندان وزارت کار" بسپارد، خوشبختانه این لایحه علیرغم دفاع مفصل وزیر کار از آن با اکثریت آرا در مجلس رد شد. شوراهای کارگری نیز بدنبال رد لایحه شوراهای کارگری تقدیمی از سکو دولت و وزیر کار به مجلس، پشتیبانی خود را از رد این لایحه که بگفته چند تن از نمایندگان مجلس در بخشهای موافق و مخالف، شوراهایی "آبکی" را در نظر قرار می دهد خواستار تصویب طرح شوراها که در کمیسیون کار مجلس مورد بحث است شدند.



# در مطبوعات مجاز ایران

● حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، پس از جلسه عالی دفاع اعلام کرد :

" آنهایکه عراق را وادار به جنگ کردند چه ارتجاع منطقه و چه امپریالیزم نمیخواهند صلح بشود در روغ میگویند . آنها صلح را بعنوان يك حرفهسه تبلیغاتی مطرح کرده اند ."

آقای حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود :

" آنها دزخرفشان جدی نیستند ، ولی ما همیشه جدی بوده و طالب صلحیم و با صداقت میگوئیم که صلح میخواهیم و حرکت ما يك حرکت دفاعی است ."

اطلاعات ۲۲ مهر ۶۱

● حجت الاسلام خوئینی ها نمایندہ امام و سزیرست حجاج ایرانی در يك صاحبہ مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اظهار داشت :

" رژیم سعودی که خطر شعارهای مرگ بر سر امریکا و مرگ بر اسرائیل حجاج ایرانی را احساس کرده بود . . . حکام سعودی رفتار انسانی اسلامی حجاج ایرانی را که به حمایت از ملت های مسلمان و محروم جهان فریاد مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل سر میداد را اهانت و دور از آداب اسلام میدانند ولی پرواز آواکس های امریکائی برفسراز خانه کعبه و تقدیم محصولات سوخت مسلمانان مستضعف و محروم عربستان به امریکا و اسرائیل را مغایر با اصل اسلامی و نگران کننده نمیدانند ."

● حجت الاسلام خوئینی ها افزود : " آنهایکه شعارهای مرگ بر امریکا ، مرگ بر اسرائیل حجاج ایرانی را خارج از آداب و ادب اسلامی قلمداد می کنند کسی چز حامی مستقیم امریکا و اسرائیل در عربستان نمیتواند باشد که این خود حضور مستقیم امریکا در این کشور است ."

ایشان از مسلمانان جهان خواستند :

" تا قطع سلطه امریکا و اسرائیل بر عربستان که پوشوج در این کشور مشاهده میشود تلاش کنند ."

ج ۱۰ ۱۹ مهر ۶۱

● آیت الله العظمی منتظری در دیداری با آقایان رفیق دوست عضو شورای عالی فرماندهی سپاه پاسداران و دادودی معاون نخست وزیر در امور نهاد های انقلاب ضمن ارج نهادن بر تلاشها و گمش زد کردن نقش حساس انجمنهای اسلامی در محدوده فعالیتشان ، در مورد لزوم تجدید نظر در مواردی که افراد ضعیف و یا غیر انقلابی در امر مهم دولتی و انقلابی گمارده شده اند تذکراتی دادند و در همین مورد یاد آور شدند :

" در شرایط فعلی که ضد انقلاب و دشمنان خارجی اسلام در صدد یافتن بهانه برای تضعیف انقلاب هستند ، استخدام و گماشتن افرادی که توان انجام کارها را بصورت انقلابی و منطبق بر موازین شرعی ندارند برای پستهای مهم ، خدمت ناخسود آگاه به دشمن است ."

ج ۱۰ ۱۹ مهر ۶۱

● آیت الله العظمی منتظری در دیداری با آقایان رفیق دوست عضو شورای عالی فرماندهی سپاه پاسداران و دادودی معاون نخست وزیر در امور نهاد های انقلاب ضمن ارج نهادن بر تلاشها و گمش زد کردن نقش حساس انجمنهای اسلامی در محدوده فعالیتشان ، در مورد لزوم تجدید نظر در مواردی که افراد ضعیف و یا غیر انقلابی در امر مهم دولتی و انقلابی گمارده شده اند تذکراتی دادند و در همین مورد یاد آور شدند :

" در شرایط فعلی که ضد انقلاب و دشمنان خارجی اسلام در صدد یافتن بهانه برای تضعیف انقلاب هستند ، استخدام و گماشتن افرادی که توان انجام کارها را بصورت انقلابی و منطبق بر موازین شرعی ندارند برای پستهای مهم ، خدمت ناخسود آگاه به دشمن است ."

ج ۱۰ ۱۹ مهر ۶۱

● آیت الله العظمی منتظری در دیداری با آقایان رفیق دوست عضو شورای عالی فرماندهی سپاه پاسداران و دادودی معاون نخست وزیر در امور نهاد های انقلاب ضمن ارج نهادن بر تلاشها و گمش زد کردن نقش حساس انجمنهای اسلامی در محدوده فعالیتشان ، در مورد لزوم تجدید نظر در مواردی که افراد ضعیف و یا غیر انقلابی در امر مهم دولتی و انقلابی گمارده شده اند تذکراتی دادند و در همین مورد یاد آور شدند :

" در شرایط فعلی که ضد انقلاب و دشمنان خارجی اسلام در صدد یافتن بهانه برای تضعیف انقلاب هستند ، استخدام و گماشتن افرادی که توان انجام کارها را بصورت انقلابی و منطبق بر موازین شرعی ندارند برای پستهای مهم ، خدمت ناخسود آگاه به دشمن است ."

ج ۱۰ ۱۸ مهر ۶۱

● رئیس جمهور خطاب به سفیر جدید کوبا : هر کشوری که به آمریکا صدمه بزند دوست ماست .

آقای " لوئیس ماریس فی گوئردو " سفیر جدید کوبا در جمهوری اسلامی ایران به حضور آقای سیدعلی خامنه ای رئیس جمهوری کشورمان رسید و استوارنامه خود را تقدیم ایشان کرد .

در این دیدار سفیر کوبا با اشاره به دشمن اصلی دو کشور یعنی امپریالیسم آمریکا گفت ملت های ما در دوران انقلاب خود رنجهای بسیاری کشیده اند و توطئه های بیشماری را علیه انقلاب خود دیدند و من با این دید مشترک احساس میکنم که اکنون در کشور خود قراردادام .

آنگاه آقای خامنه ای ضمن بر شمردن دستاورد ضد امپریالیستی و مردمی ما در رابطه با مبارزه با امپریالیسم آمریکا گفتند : " بارها گفته ایم هر کشوری علیه سیاست های آمریکا پنحوی فعالیت میکند و به آمریکا صدمه ای میزند دوست ما خواهد بود ."

ج ۱۰ ۱۵ مهر ۶۱

● در نبرد با آمریکا ما باید ابتکار عمل را در دست داشته باشیم

آقای خامنه ای در دیدار خود با سفیر جدید جمهوری دموکراتیک الجزایر با اشاره به لزوم همکاری همه جانبه بین کشورهای مترقی منطقه در مقابل توطئه های امپریالیسم امریکا اظهار داشت :

" ما اگر بخواهیم در مقابل این حرکات امریکا موضع انفعالی به خود بگیریم یقیناً شکست خواهیم خورد . . . ما بایستی بدانیم امریکا چگونه عمل می کند و ما در مقابله با او چه باید بکنیم ."

آقای خامنه ای با اشاره به سیاستهای ارتجاعی دولت های مرتجع و وابسته به امریکا گفت :

" ما برای خنثی کردن سیاست های غلط آنها باید جبهه مترقی منطقه را تقویت کنیم ."

● در جلسه هفتگی شوراهای اسلامی رد لایحه شوراهای وزارت کار مورد بحث و بررسی قرار گرفت

جلسه هفتگی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات ناحیه جاده مخصوص کرج در کارخانه ارج برگزار گردید . در این جلسه ، شوراهای اسلامی حاضر پشتیبانی خود را از رد لایحه تقدیمی وزارت کار به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند .

● همچنین کانون هماهنگی شوراهای از مجلس شورای اسلامی خواست تا نسبت به طرح شوراهای اسلامی دقت بیشتری شود . همچنین دو مین جلسه کانون منطقه جنوب تهران ( شهرری ) در مسجد فیروز آبادی تشکیل گردید . جلسه ابتدا عملکرد وحشیانه و ضد انسانی ایادی امریکاد ر فاجعه انفجار بمب گذاری در جنوب تهران که عامل بخاک و خون کشیدن دهها زن و مرد و کودک بی گناه گردید را محکوم نمودند .

● جلسه از نمایندگان محترم مجلس بویژه کمیسیونهای کار و شوراهای اسلامی مجلس شورای اسلامی خواستار تسریع در تصویب طرح شوراهای

وانجمنهای اسلامی و همچنین قانون کارگردیدند و یاد آور شدند که با توجه به فرمان امام خمینی مبنی بر لغو قوانین طاغوت و با توجه به این فرمان متأسفانه هنوز شاهد اخراج کارگران قهرمان ، این بازوان پرتوان انقلاب میباشیم .

شنبه ۱۷ مهر ۱۳۶۱

● محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفتگویی اظهار داشت :

" آمریکا اخیراً دست به توطئه تازه ای زده و زیر تنگه هرمز در داخل کشور عمان شروع به حفر يك کانال کرده است تا بجای تنگه هرمز ، از این کانال استفاده کند . اینها قبلاً میخواستند در موقعیکه ما وارد خاک عراق شدید ، حطهای کرده و حداقل جزایر ما را بگیرند و بعد با توجه به بسته شدن تنگه هرمز و قطع صدور نفت به اروپا و آمریکا در اثر این جنگ از اینکار صرف نظر کردند اما الان خودشان را آماده می کنند که در جنوب کشور ما دست به يك سری تحریکات بزنند ."

اطلاعات ۲۲ مهر ۶۱

● آقای موسوی نخست وزیر در مورد انتساب آقای غیوران بعنوان بازمن ویژه نخست وزیر در امر توزیع و اصناف و فروشگاهها و تعاونیها اظهار داشت :

" ما در زمینه توزیع دچار نابسامانی هستیم . در حال حاضر بازار سیاه و سوء استفاده های از طرف بعضی از توزیع کنندگان وجود دارد . . . دولت با سوء استفاده ها در امر توزیع شدت برخورد خواهد کرد ."

ج ۱۰ ۲۲ مهر ۶۱

**کمک مالی به حزب توده ایران ، یک وظیفه انقلابی است !**

**جشن ۴۱ مین سال زندگی و نبرد حزب توده ایران**

● در جریان برگزاری جشن به مناسبت ۴۱ مین سال زندگی و نبرد حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، در انگلستان ، که در هفته گذشته با شرکت تعداد زیادی از هواداران حزب و دوستان انقلاب ضد امپریالیستی و خلق مردم میهن ما در لندن برگزار شد ، خانم مبارز ایرانی ای ، که در ابتدا بعلت اعتقادات خود تمایلی به شرکت در جشن نداشت ، تحت تاثیر برنامه ها انقلابی جشن و روحیه مبارزه جوانان شرکت کنندگان در دفاع از انقلاب مردم میهن ما ، به رهبری امام خمینی ، طی نامه کوتاهی مبلغ ۱۰۰ پوند به حزب توده ای ما کمک مالی کرد .

● ما با تشکر ، نامه کوتاه ایشان را در پی می کنیم :

" دوستان عزیز !

● سالروز خیزتان را صمیمانه تبریک می گویم و به این مناسبت مبلغ صد پوند کمک مالی مرا بپذیرید ."

● سالروز خیزتان را صمیمانه تبریک می گویم و به این مناسبت مبلغ صد پوند کمک مالی مرا بپذیرید ."

ج ۱۰ ۱۸ مهر ۶۱

# دست رد به سینه «اسلام توکلی»

مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی ۱۳ مهرماه ۶۱ لایحه پیشنهادی از سوی آقای وزیر کار را در مورد شوراهای واحد های تولیدی، علیرغم برجسب "اسلامی" آن، رد کرد. و طبیعی بود، که این تصمیم بجای مجلس مورد تأیید کارگران قرار خواهد گرفت. بطوریکه روزنامه ج. اسلامی گزارش داد: «شوراهای اسلامی کارخانجات ناحیه جاده مخصوص کرج»

پشتیبانی خود را از این اقدام مجلس شورای اسلامی اعلام کردند. آقای توکلی، وزیر کار و امور اجتماعی، در گفتگویی با اعضای شورای مرکزی انجمن های اسلامی واحد های تولیدی و صنعتی تهران و حومه، گفت: این لایحه دارای دو بخش است: "یک بخش، که قسمت عمده آنرا تشکیل می دهد"

از احکام الهی نشئت گرفته و بخش دیگر مسائلی است که جای مشورت دارد. به نظر "اسلامی" آقای وزیر کار، که بارها اعلام کرده است، کارگر "مال الجاره" کارفرما است. از اینرو در مورد "قسمت عمده" لایحه تقدیمی ایشان، که اصل مال الجاره بودن کارگر را از، به قول ایشان، "احکام اجاره فقه اسلامی" کسب کرده است، نه فقط نظر و رای کارگران، بلکه نظر و رای من (ا) وزیر کار یا هر بشر دیگری (هم) دخیل نبوده و نیست. "و کارگران باید یا "مال الجاره" سرمایه دار شوند و یا اگر نخواستند باید پیه بیکاری، درماندگی، گرسنگی و رنج دائمی و احیاناً مرگ را بر تن خود و خانواده خود بمالند. جالب تر آن است که "بخش دیگر (لایحه) مسائلی است که جای مشورت (ا) دارد."

بجای دیگر، اگر لایحه تقدیمی آقای وزیر کار به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسید، کارگران و شوراهای اسلامی کارگران (بخوان "مال الجاره"ها) در مورد "قسمت عمده" لایحه ایشان حق رای و نظر نداشتند. باقی می ماند قسمت غیر عمده آن. در آنجا آقای توکلی بزرگواری کرده و امکان "مشورتی" برای کارگران در نظر گرفته اند.

ما تصور نمی کنیم بتوان از این روشن تر و بارزتر خط "اسلام توکلی" ها را، که خط "جریمان راستگرا" است، ترسیم کرد. این خط، خط پیمان شکنی و صخ انقلاب است. این شیوه "ذبح شرعی" است! این خط، چه خواهد، چه نخواهد، چه آگاهانه عمل کند و چه نا آگاهانه، در خدمت اهداف عمومی دشمنان و مخالفان داخلی و خارجی انقلاب به کار گرفته می شود، زیرا مطمئن و کارا ترین شیوه ناراضی تراشی است، آن هم در بین پشتیبانان واقعی انقلاب، یعنی زحمتکشان. تا به این وسیله ریشه های انقلاب منززل و ضربه پذیر شود.

ولی نمایندگان پایبند به خط امام در مجلس شورا اسلامی با رای خود نشان دادند، که بر سرشوخ خط امام پایداری می کنند و مرعوب تهدید مکتوم آقای توکلی نمی شوند، که گویا اگر کسی با این لایحه مخالفت کرد، با اسلام مخالفت کرده است. در اینجا مناسب به نظر میرسد که سخنان آقای فواد کریمی را تکرار کرده و آنرا تحمید دهیم تا مسئله روشنتر شود.

ایشان، که رئیس کمیسیون اقتصادی و دارایی مجلس شورای اسلامی است، در دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی در مقابل با روحانی نمایان و همین "اسلام" توکلی ها است، که می گوید: "اما قانون اساسی مطابق موازین فقهی بوده و مجلس خبرگان از فقهای مثل آیت الله منتظری، آیت الله مشکینی و مرحوم شهید بهشتی شهید مدنی تشکیل شده بود و لذا اگر کسی حرف دیگری دارد، با این فقها اختلاف فقهی دارد و نمی تواند نظر خود را به عنوان نظر اسلام مطرح کند."

تاکنون تجربه نشان داده است، که آقای توکلی جز اتلاف وقت انقلاب، ناراضی کردن کارگران، مثلا با لغو بیمه ها (روزنامه ج. اسلامی ۳۱ شهریور ۶۱) بقیه در صفحه ۵

عنوان "افراد نفوذی و مخرب" از انجمن های اسلامی تسویه کنند.

چرا؟ پاسخ را از آقای حسین کمالی، نماینده خط امامی مجلس شورای اسلامی می شنویم: "۰۰۰ کسانی را که از حاکمیت اقتصادی اجتماع اسلامی دفاع می کنند، اخراج می کنند. ۰۰۰ کسانی را که مدافع آن (حکومت اسلامی) هستند از سطح کارخانجات اخراج و کارخانجات را از وجود عناصر انقلابی تهی (می) کنند."

اما اگر رنگ و روی ظاهری این سخنان آقای وزیر را با تیغ حقیقت جوشی بخراشیم، از زیر آن، این واقعیت هوید می گردد، که "خط راستگرا"، حتی در لباس "اسلامی" آن، فقط در مکه و مدینه از "سیاست کاری و سیاست بازی" نمی ترسد، فقط ملک های "سلمان" عربستان سعودی نیستند، که میخواهند "مسائل شرعی و اسلامی" را سیاست زدائی کنند، و مراسم حج را از محتوای سیاسی آن تهی سازند، بلکه "جریان راستگرای مخالف خط امام" هم در مین ما همین هدف را دنبال می کند و میخواهد شوراها را از محتوای سیاسی و اجتماعی آن تهی سازد.

شوراها طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی "بمنظور تأمین قسط اسلامی (عدالت اجتماعی) و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور..." تشکیل می شوند. یعنی شوراها ابزار حاکمیت خلق را تشکیل می دهند، که باید در تهیه برنامه ها و واحد های تولیدی، آموزشی، در دهکده، شهر، استان و غیره شرکت کنند. "خط راستگرای مخالف خط امام" با این هدف و با این اصل قانون اساسی مخالف است و همانند مارولک بدنیال راه های "شرعی" و غیر شرعی میگرد تا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را "ذبح شرعی" کند!

آیا مسلمانان مبارز پیروی خط امام، با وجود چنین نظریات و عملیاتی، قادر خواهند شد به وظائف انقلابی خود عمل کنند؟ آیا خط امام و خط سیاسی ملک فهد و امثال آنها با هم قابل تلفیق است؟ در عربستان سعودی نبود! به نظر ما با کجدار و مریز با انقلاب به سر منزل مقصود نخواهد رسید!

آقای وزیر کار! از ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی دفاع کنید بقیه از صفحه ۱

است. بعبارت دیگر، آقای وزیر مخالف "اخراج کارگران بر پایه ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی، مخالفست" در ردی آنها، گرسنگی زن و بچه زحمتکشان، نیست، و وضع زندگی و خانواده کارگران اخراجی برای او یکی بی تفاوت است. آنچه که او می خواهد، فقط بر طرف کردن "۰۰۰ آثار (منفی) سیاسی" این اخراج ها است و به ضایعات انسانی آن مطلقا بی توجه است. و می خواهد کارگرانی را که زبان به اعتراض به این ظلم بسی پرده می کشند، با همین حربه خاموش سازد.

به نظر آقای توکلی، اگر کارگری به ماده ۳۳ اعتراض کند، "سیاست بازی" کرده است. آقای توکلی به بیان خودمانی و پوست کنده، که ایشان آنرا به گونه ای تحقیر آمیز "سیاست کاری و سیاست بازی" می نامد، مخالف سیاسی شدن کارگران است.

درست به همین منظور هم آقای وزیر در این گفتگو اظهار می دارد: "وظیفه انجمن های اسلامی ارشاد کارکنان واحد بوده به طریق اسلام و در این راه ابتدا می بایست انجمن های اسلامی افراد نفوذی و مخرب را که به خیال خود میخواهند انجمن ها و شوراها را به سیاست کاری و سیاست بازی بکشند از خود دور و تسویه نمایند."

اینجا این سوال مطرح می شود، که آن چه نوع "اسلامی" است، که وظیفه اش دور کردن کارگران از دفاع از منافع حقه خود و دور شدن از عرصه سیاست، یا بقول آقای توکلی از "سیاست کاری و سیاست بازی" است؟

به این ترتیب آقای وزیر به روشنی معتقد است، که هر کارگری که خواهان لغو ماده ۳۳ قانون کار طاغوت است، قانونی که به قول حجت الاسلام دری نجف آبادی "۰۰۰ به کارفرما حق (می) دهد که در هر شرایطی بتواند کارگر را اخراج نماید..." این کارگر از "افراد نفوذی و مخرب" است و اعتراض او برای دفاع از منافع خود و خانواده اش، برای جلوگیری از گرسنگی و درماندگی زن و فرزندش نیست، بلکه می خواهد "سیاست کاری و سیاست بازی" بکند. و توصیه می کند که آنها را به



### ابتکار تازه صلح

رفیق لئونید برژنف رئیس دولت و دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ضیافتی که بمناسبت دیدار دوستانه یک هفته‌ای ایند پیرا کاندی نخست وزیر هند، در کرملین برپا شده بود از طرف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ابتکار جدیدی را برای حفظ صلح جهانی پیشنهاد نمود.

رفیق برژنف خواست که نهاد های رهبری کنند به پیمان ناتو و ورشو در بیانیه ای آمادگی خود را برای جلوگیری از گسترش این دو پیمان نظامی در قاره های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اعلام نمایند.

### جمهوری دمکراتیک افغانستان

رفیق بیریگ کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب این کشور در یک گردهمایی بزرگ در مزار شریف واقع در ایالت شمالی پهن اعلام نمود که: دولت و حزب دمکراتیک خلق افغانستان این وظیفه را در مقابل خود قرار داده اند، که سطح زندگی مردم را بالاتر برده، برنامه های صنعتی شدن کشور و اصلاحات ارضی و آبرسانی را هر چه سریعتر به انجام رسانند.

رفیق بیریگ کارمل در این سخنرانی گفت: روند ساختمان جامعه نوین در افغانستان در شرایطی صورت میگیرد که اوضاع بین المللی بسیار بغرنج شده است. قدرتهای امپریالیستی به جنگ اعلام نشده خود علیه افغانستان ادامه میدهند و در این رابطه مزد ورائی را به خدمت گرفتارند که مسلح میشوند تا جو ترور را در افغانستان حاکم کنند.

اما کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق و شورای انقلاب افغانستان تصمیم قاطع دارند که مبارزه را تا نابودی کامل ضد انقلاب ادامه دهند.

## ترهای حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت ۶۵مین سالگرد انقلاب اکتبر

سوسیالیستی فرستاده است. در این ترها از اتحاد، همکاری، همبستگی و همچنین اراده خلل ناپذیر آنها در دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم و تحکیم آنها قدر دانی شده است.

در این ترها لزوم اتحاد و همبستگی کمونیست های سراسر جهان مورد تأکید قرار گرفته است.

"زنده باد انترناسیونالیسم پرلتری، سلاح آزموه و قدرتمند جنبش جهانی کارگری و توانمند تر باد اتحاد میان سوسیالیسم جهان پرلتر برای بین المللی و جنبش آزادی بخش ملی" جزء شعارهای این ترها هستند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ترهای خود بمناسبت شصت و پنجمین سالگرد انقلاب اکتبر مردم جهان را به مبارزه برای حفظ صلح، خلع سلاح و درهم شکستن فعالیت های تجاوزکارانه امپریالیسم، ملیتاریسم فراخواند.

در این ترها گفته میشود که، لازم است به مسابقه تسلیحاتی لگم زده و با دفاع و تعقیب روند تنش زدایی از خطر وقوع جنگ جلوگیری شود.

خلقهای اروپا فراخوانده میشوند که صمانه علیه استقرار سلاحهای موشکی جدید آمریکایی در اروپای غربی بپاخیزند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سلاهای برادرانهای نیز به خلقهای دیگر کشورهای

### امپریالیسم مقصر اصلی تشنج

نام برده و این سیاست را خطری برای کشورهای غیر متعهد ارزیابی میکنند، ضمناً کشورهای غیر متعهد حمایت خود را از سازمان آزاد بیخوش فلسطین بعنوان تنها نماینده خلق فلسطین اعلام داشتند و خواستار ایجاد کشور فلسطین مستقل شدند.

در قطعنامه همچنین حمایت آمریکا از نژاد پرستان آفریقای جنوبی در سرکوب سازمان آزاد بیخوش جنوب غربی آفریقا - سوپود محکوم شده است. کشورهای غیر متعهد در قطعنامه خود کوششهای آمریکا برای بی ثبات نمودن اوضاع داخلی کشورهای نیکاراگوئه، گرانادا و کوبا را محکوم کردند.

کشورهای غیر متعهد طی قطعنامه ای در ارزیابی تصمیمات ۳۷مین جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد، تشدید و خامت اوضاع بین المللی را ناشی از سیاست امپریالیستی، نواستعماری، استعماری نژاد پرستی ارزیابی کردند.

در این قطعنامه همچنین مسابقه تسلیحاتی اتمی خطری برای صلح و امنیت جهانی ارزیابی شده است. قطعنامه تصمیمات اکثر کشورهای عضو سازمان ملل متحد برای خاتمه دادن به مسابقه تسلیحاتی مخصوصاً در محدوده سلاحهای اتمی را مورد پشتیبانی قرار داده است. کشورهای غیر متعهد همچنین از حمایت نظامی و سیاسی آمریکا از اسرائیل بعنوان عامل اصلی سیاست تجاوزکارانه اسرائیل

### یونان

پایاند رنو: پایگاههای نظامی آمریکا تأثیر منفی بر امنیت یونان دارند.

نخست وزیر یونان در دیداری که از کویت بعمل

آورد، اعلام داشت وجود پایگاههای نظامی آمریکا اثرات منفی بر امنیت یونان میگذارد.

پایاند رنو اعلام داشت از پایگاههای نظامی آمریکا در یونان علیه هیچ کشور دوستی بخصوص کشورهای عربی استفاده نخواهد شد.

او هم چنین خواستار تعیین مدت معینی برای برجیدن این پایگاهها گردید. مذاکره بین یونان و آمریکا برای برجیدن پایگاههای نظامی در آخر اکتبر شروع خواهد شد.

### انقلاب پرتغال زنده است

بقیه از صفحه ۳

خود را برای کودتای آماده میکنند که منجر به برقراری نظم اجتماعی قدیم میشود. متعادل کلس نیروها و از جمله در نیروهای مسلح و بضرارتجا و بسود دمکراسی است.

مبارزات تودهای که از دستاورد های ۲۵ آوریل دفاع میکند نقش اساسی را در دفاع از منافع زحمتکش خلق و نهادهای دمکراتیک دارد.

این مبارزات مانع عمده بر سر راه هجوم ضد انقلاب بودند و هستند.

حزب کمونیست پرتغال عجزی انقلابی که تقریباً ۲۰۰ هزار عضو دارد و بطور خدشه ناپذیر به اصول مارکسیسم - لنینیسم وفادار است میدان شک نقش اصلی در نبرد هائی که تمام جبهه ها را در

بر میگیرد ایفا میکند. بر اثر فعالیت این حزب در مجمع جمهوری و در شوراهای محلی و در موسسات آموزشی و در کارخانه ها و بنا در و معادن و در جنبش سندیکائی و در تمام محل های کار و نیروهای ارتجاع شکستهای سختی را متحمل شدند و نتوانستند به بسیاری از هدفهای خود دست یابند.

در لحظه کنونی وضع بسیار دشوار است. اما بهر حال و علیرغم خطراتی که با آن روبرو هستیم می توانیم اعلام کنیم که طی هشت سال گذشته هیچ خلق دیگری در اروپا مانند خلق پرتغال اینقدر عیق متحول نشده است. در این هشت سال طبقه کارگر پرتغال پیوسته در حال نبرد پیشروی میکرد و در مبارزات پیشماری در دفاع از دستاورد های آوریل آبدیده میگردد. همانطور که آلوارکونیال دبیر کل حزب کمونیست پرتغال اعلام کرده است در پرتغال و متشکل بودن وحدت و مبارزات تودهای درست ترین راه برای پیکار و نیرومند شدن سلاح طبقه کارگر و توده های زحمتکش میباشد.

RAHE TUDEH

No. 14

Friday, 28 Oct. 1982

Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England 20	P.
West-Germany	Belgium 10	Fr.
1 DM	Italy 350	L.
France 2 Fr.	U.S.A. 40	Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2	Skr.

